

## اخلاق اقتصادی در آموزه‌ها و عملکرد دولت اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۴

\*سید محمد حسن مصطفوی

### چکیده

فساد، اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب می‌کند، صاحبان مؤسسات را در تولید به تحمل مخاطره و هزینه بیشتر و امیداره، اعتبار کشور را تنزل می‌دهد، قابلیت اعتماد صاحبان حرف و مشاغل و دولت را به میزان زیادی از بین می‌برد و جامعه عزت نفس و اطمینان به حکومت قانون و نهادهای دولتی را از دست می‌دهد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی ناشی از فساد، منع پیشرفت اقتصادی و سبب بروز مشکلات اجتماعی عدیده می‌شود.

ظهور فساد و رانت مساله تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست. اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب همواره شاهد این پدیده بوده است. افرادی که مسبب اصلی این مساله اند، ارتباط تنگاتنگی با ساخت قدرت در کشور دارند. البته ارتباط افراد با ساخت قدرت به تنها یعنی تواند شرط لازم و کافی این پدیده در کشور باشد. ظهرور این افراد در ساخت اقتصادی کشور علل گوناگونی دارد و بعضًا ممکن است آن را با برخی استدلال‌ها توجیه کنند. در مکتب کارآمدی فساد، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد را روشی برای علبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات تلقی می‌کنند. در دهه‌های اخیر، برخی فساد مالی را تسهیل کننده توسعه می‌دانستند و متعاری بودند که راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر غیر اثربخش است؛ که در مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

در حالی که از نظر پیشوایان دینی، اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتونه حکومت دینی است، از بین می‌رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه‌های اعتماد در هم می‌ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می‌شود. واسلام با قدرت و با استفاده از اهرم‌های مادی و معنوی با آن مبارزه می‌کند و بر مردم، جامعه و حکومت اسلامی نیز در انجام این مهم تکلیف کرده است. با این حال، در رتبه پندي ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل، ج. ایران جزو ۱۶ درصد قصر جدول قرار گرفته و به عبارت دیگر، ۱۲ درصد از ۱۱۱ کشور که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در این ساخته وضعیتی برتر از کشورمان داشته است!

مقاله حاضر که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و به روش توصیفی- تحلیلی نگارش یافته، به «اخلاق اقتصادی در آموزه‌ها و عملکرد دولت اسلامی و مروری بر فعالیت‌های مرتبط در ایران» با تأکید بر فساد مالی» پرداخته و نشان داده که فساد، علاوه بر اقتصاد، دیگر عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز به شدت تحت تأثیرات منفی خود قرار می‌دهد و در پایان، پیشنهاداتی برگرفته از آموزه‌ها و عملکرد دولت اسلامی و نیز یافته‌های مقاله ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** جرم، فساد مالی و اقتصادی، رانت جویی، اختلاس، رشوه، آموزه‌های اسلامی، عملکرد

دولت اسلامی

طبقه‌بندی JEL: Z12, E69

### مقدمه

یکی از اهداف اولیه دولت‌ها، برقراری انضباط اجتماعی و مالی است. توجه خاص به این هدف در پایداری زیرساخت‌های اساسی هر حکومتی و مشروعيت و مقبولیت بخشیدن به آن تأثیر بسزایی دارد. در عوض، کوتاهی دولتمردان در تحقق این هدف، باعث تضعیف آنها شده و زمینه تضعیف و به تبع آن برناندزی حکومتها را فراهم می‌سازد. از این رو، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه بیانضباطی اجتماعی و مالی از مجریان دولتی ناشی شود، حقوق و منافع عموم جامعه تحت تأثیر قرار گرفته و آسیب‌های جدی‌تری بر پایه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و حکومت وارد خواهد شد.

فساد، اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب می‌کند، صاحبان مؤسسات را در تولید به تحمل مخاطره و هزینه بیشتر وامی‌دارد، اعتبار کشور را تنزل می‌دهد، قابلیت اعتماد صاحبان حرف و مشاغل و دولت را به میزان زیادی از بین می‌برد و جامعه عزت نفس و اطمینان به حکومت قانون و نهادهای دولتی را از دست می‌دهد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی ناشی از فساد، مانع پیشرفت اقتصادی و سبب بروز مشکلات اجتماعی عدیده می‌شود (ر. ک: رهبر و همکاران، ۱۳۸۱).

فساد مالی عموماً به سوء استفاده از قدرت عمومی برای دستیابی به منافع شخصی تعبیر می‌شود. ادبیات نظری دیدگاه دوگانه ای درباره فساد و رشد ارایه می‌نماید. گروهی معتقدند که فساد از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف ناپذیر، به افزایش می‌انجامد و گروه دیگری فساد را نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و موجب کاهش رشد می‌شود (صباحی و همکار، ۱۳۸۸). ظهور فساد و رانت مساله تازه ای در اقتصاد ایران نیست. اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب همواره شاهد این پدیده شوم بوده است. افرادی که مسبب اصلی این مساله اند، ارتباط تنگانگی با ساخت قدرت در کشور دارند. البته ارتباط افراد با ساخت قدرت به تنها نمی‌تواند عامل این اتفاق در کشور باشد. ظهور این افراد در ساخت اقتصادی کشور علل گوناگونی دارد (تاجگردون، ۱۳۹۲) که در مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

این مقاله با داده‌های کتابخانه ای – اسنادی و با روش توصیفی- تحلیلی، بعد از مقدمه به مباحث زیر می‌پردازد: ادبیات موضوع، سابقه مطالعات جرم و فساد مالی، ملاحظات نظری، ابزارهای فساد مالی و اقتصادی، سطح، شدت و درجه‌بندی فساد، انواع فساد مالی، آثار و پیامدهای فساد مالی، وضعیت کشورهای جهان و ایران از نظر فساد، ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد

مالی و اقتصادی با تأکید بر ایران، فساد مالی از دیدگاه اسلام، پیامدهای فساد مالی از نظر اسلام، راه حل های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام، جمع بندي و سخن پایانی و در پایان، راه حل های کاهش فساد مالی برگرفته از یافته های مقاله.

## ۱. ادبیات موضوع

جرائم: دانشنمندان، تعاریف گوناگونی از جرم ارائه نموده‌اند ولی تاکنون تعریف جامع مورد قبول همگان، از آن به عمل نیامده است (دانش، ۱۳۷۶)؛ اما برخی از حقوق‌دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود (علی آبادی، ۱۳۴۳). اگرچه تئوریسین‌های بزرگ جنایی نیمة دوم سده هیجدهم «بکاری» و «بنتام» به سودمندی جرایم معتقد بودند.

تعریف جرم در قوانین کیفری کشورهایی که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به منظور حفظ آزادی فردی پذیرفته‌اند، متفاوت است. در جمهوری اسلامی ایران، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی - مصوب سال ۱۳۷۰ - هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.

در سوئیس کسی را نمی‌توان مجازات کرد، مگر اینکه عملی را که مطابق قانون برای آن مجازات تعیین شده مرتکب شود.<sup>۱</sup> در مجموعه قوانین کیفری فرانسه، تعریفی از جرم به عمل نیامده، فقط به ذکر نوع جرایم با توجه به مجازات آنها اکتفا شده است.<sup>۲</sup> در قوانین کیفری اکثر کشورهای سوسیالیستی جرم تعریف نشده و اطلاق حالت خطرناک به افراد به معنای وسیع پذیرفته شده است. تفسیر جرم و حیطه اطلاق حالت خطرناک بسیار وسیع بوده و حدود اصل قانونی بودن مجازات برای حفظ آزادی فردی مشخص نیست (صادقی، ۱۳۸۹) که یکی از دلایل ناراضی تراشی در آن کشورها بوده است.

**فساد مالی:** با توجه به گسترده‌گی پدیده فساد مالی مانند جرم، ارائه تعریفی جامع که برای تمام ملت‌ها به طور یکسان پذیرفته شده باشد، بسیار مشکل و تقریباً غیرممکن و به

۱. ماده ۱ قانون جزای سوئیس مصوب اول اکتبر ۱۹۷۶.

۲. ماده ۱۳۱-۱ تا ۱۳۱-۱۸ مجموعه قوانین کیفری فرانسه مصوب ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۳ که از اول مارس ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذاشته شده است.

همین دلیل، تعاریف گوناگونی در سطح ملی و بین‌المللی از طرف صاحب‌نظران درباره فساد ارائه شده است.

در عربی، کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با عنوان «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است، و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد (تازی، ۱۳۷۸). بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد. در فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: تباہی، به ستم مال کسی را گرفتن، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و فتنه و آشوب ذکر شده است.

از دید منتسکیو «فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. از نظر وی در حکومت مشروطه نیازی به روی آوردن به فساد نیست. اما در حکومت استبدادی که شرافت و تقوی وجود ندارد، نمی‌توان به انجام هیچ کاری بدون استفاده مفسدانه امید داشت» (زاهدی، ۱۳۷۵).

همچنین فساد مالی عبارت است از «سوء استفاده از قدرت، اختیارات و قوانین که منافع و سود شخصی برای افراد یا گروهی خاص فراهم می‌کند». طبق این تعریف، فساد مالی درست در نقطه تلاقی بین بخش عمومی و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. طبق این تعریف، اعمال و رفتار منفعت‌جویانه کسانی که نمایندگی بخش عمومی را بر عهده دارند و از قدرت و اختیارات دولتی نیز برخوردارند و از این اختیارات و قدرت دولتی برای مقاصد شخصی، خانوادگی و گروهی استفاده می‌کنند، فساد تلقی می‌شود. و نیز هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی است که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اختاذی، و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجود و اموال، استفاده از امتیازات و بهره برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر و به عبارت دیگر، فساد مالی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است.

تجربیات و تحقیقات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد بین وسعت کارهای فاسد، و میزان زمانی که مدیران، صرف ملاقات با مسؤولان دولتی به منظور جلب نظر آنها می‌کنند، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. صاحبان شرکت‌هایی که رشوه بیشتر، نسبت به کسانی که رشوه کمتری می‌پردازند، ناچارند یک - سوم بیشتر از بقیه بنگاه داران، وقت شان را با مسؤولان

دولتی صرف کنند. که نشان می دهد که لزوماً انجام کارهای فسادآمیز، انجام کار را تسريع نمی بخشد (کافمن، ۱۳۷۷).

رشاء، ارتشاء، تصرف غیرقانونی، تدليس و تبانی در معاملات دولتی، اختلاس، ربا، اخذ پورسانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، کلاهبرداری‌هایی که دولت از آن متضرر می شود، اخذ کمیسیون در معاملات دولتی، عدم ایفای تعهدات ارزی، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، اخلاقگری در نظام اقتصادی کشور، مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی، قاچاق کالا و ارز، پولشویی، تضییع وجوده و اموال دولتی از طریق اهمال یا تغیریت از جمله مصاديق این تعریف است.

فساد، متضمن تخطی از وظایف در ازا یا به امید سود مادی شخصی، قدرت و یا شهرت است. و با توجه به تعاریف مختلف، می توان فساد مالی و اقتصادی را سوء استفاده از مقام، موقعیت و اختیارات و قوانین و مقررات در جهت منافع شخصی تعریف نمود که شرایط و نحوه آن در کشورهای مختلف متفاوت است و آداب و قوانین نیز همواره با یکدیگر همخوانی ندارند. این پدیده همواره- کم و زیاد- با اجتماعات بشری همراه بوده، و امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش‌های یک جامعه و بخصوص در بخش عمومی و کارگزاران دولتی مطرح است.

## ۲. سابقه مطالعات جرم و فساد مالی

مطالعه سازمان یافته و مضبوط اقتصاد جرم به تاریخ ۱۸۲۹ برمی گردد که توسط ادوین چادویک<sup>۱</sup> انجام گرفت. پس از آن، بکر<sup>۲</sup> (۱۹۶۸)، استیگلر<sup>۳</sup> (۱۹۷۰)، ارلیک<sup>۴</sup> (۱۹۷۳)، رونالدز<sup>۵</sup> (۱۹۸۰) نیز مطالعات را تکمیل نمودند. این صاحب نظران، با استفاده از علم اقتصاد، مجموعه‌ای از وسائل علمی و فنی را در اختیار اقتصاددانان معاصر قرار دادند تا بتوانند تئوری های حقیقی اقتصاد جرم را که مبتنی بر سودمندی فعالیت مجرمانه برای مجرم می باشد، ارائه کنند. گری بکر آثار متعددی در این زمینه منتشر و به گسترش نظریه کمک کرده که در بحث مطالعات نظری به یکی از مهم ترین آنها پرداخته شده است.

در داخل نیز مطالعاتی به انجام رسیده که به موارد مرتبط تر اشاره می شود.

- 
1. Edwin chadwick
  2. Becker
  3. Stigler
  4. Ehrlich
  5. Ronalds

صبحی و همکار (۱۳۸۸) به «بررسی اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی» در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان و در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. مقاله آنان، با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی، تأثیر فساد مالی را بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم درآمد، بررسی نموده است. نتایج برآورد مدل تحقیق، گویای این است که اگرچه در کشورهای پردرآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط، کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، در کشورهای کم درآمد این ارتباط منفی و معنادار است!

رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی»، سعی کرده‌اند با در نظر گرفتن علل ریشه‌ای شکل‌گیری و تداوم پدیده فساد، راهکارهای مناسبی برای رفع یا تقلیل آن ارائه دهند. صادقی، عصاری و شفاقی (۱۳۸۸) در مقاله «اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی)»، آورده‌اند: فساد پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است و دامنه آن از یک عمل فردی (مانند رشوه) تا یک سوء عمل فraigir که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد، گسترده است. مقاله، الگوریتم جدیدی برای سنجش فساد در ایران معرفی می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد روند شاخص فازی فساد ایران طی دوره (۱۳۴۸-۵۳) کاهش یافته و در فاصله سالهای ۱۳۵۳-۵۸ و همچنین از سال ۱۳۷۳ به بعد صعودی شده است.

دادگر و نظری (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان» معتقدند فساد مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، یک بیماری مزمن و از ویژگی دولت‌ها به شمار می‌آید. ج. ا. ایران از این نظر، دارای رتبه نامناسب و همچنین در سیاری از کشورهای اسلامی و آفریقایی، فساد بیش از کشورهای پیشرفته است.

### ۳. ملاحظات نظری

گری بکر (Becker, 1968) اولین بار در مقاله معروفی تحت عنوان «اقتصاد جرم و مجازات، یک رهیافت اقتصادی» به مقوله اقتصاد جرم پرداخت. هدف اصلی وی پیشنهاد رهیافت‌هایی در جهت حداقل کردن زیان‌های اجتماعی و هزینه‌های جرم بود. مدل اصلی وی بر مبنای این فرض استوار است که: یک فرد مرتکب جرم خواهد شد اگر مطلوبیت انتظاری وی در ارتکاب جرم از مطلوبیتی که می‌تواند با استفاده از وقت و امکانات اش در سایر فعالیتها به دست

آورد، بیشتر باشد. متغیرهای تصمیم اجتماعی از نظر وی، هزینه‌های جرم برای پلیس و دادگاهها و نیز سطح (شدت) و نحوه مجازات می‌باشد که به تعیین احتمال اینکه اشخاص در چه شرایطی به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند، کمک می‌کند. تغییر این عوامل، اگر منجر به افزایش هزینه‌انتظاری ناشی از جرایم شود، باعث کاهش آسیب‌ها می‌گردد. بکر این ارتباط بین تعداد جرایم و میزان بازدارندگی را در طرف «عرضه جرم» قرار می‌دهد. وی در تئوری بازدارندگی، احتمال محکومیت و شدت مجازات را به عنوان متغیرهای برونزاًی تابع عرضه جرم در نظر می‌گیرد. از نظر او، احتمال محکومیت بالا و نیز شدت مجازات، منجر به کاهش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می‌شود و لذا جرایم کمتری اتفاق می‌افتد.

ادبیات علمی در زمینه فساد نیز شاهد دو مکتب رقیب و متعارض زیر در خصوص اثرات فساد بر کارآیی و اثربخشی نظام اداری و توسعه اقتصادی است:

**مکتب کارآمدی:** مکتب کارآمدی فساد، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد را روشنی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌داند. در دهه‌های اخیر، برخی از صاحب نظران به علی‌که اکنون منسوخ شده، فساد مالی را تسهیل کننده و «دارای نقش روغن کاری» توسعه می‌دانستند و مدعی بودند که راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر غیر اثر بخش است و از طرفی، فساد، این امکان را به کسانی که وقت آنها با ارزش است می‌دهد بتوانند بالاترین رشوه‌ها را بدنهند تا به نتایج ثمر بخش‌تری برسند (Lien, 1986 & Huntington, 1968). بنابراین، طرفداران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه‌کسب و کار می‌دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن می‌باشد. به هر روی، ادعاهای زیادی مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده‌ای کاملاً منفی نیست و با آثار مثبت نیز همراه است، وجود دارد!

**مکتب ناکارآمدی:** نتایج پژوهش‌های بسیار در سال‌های اخیر در زمینه اثرات فساد، استدلال‌های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می‌کند (علی‌زاده ثانی و فانی، ۱۳۸۶).

**رهیافت‌های دیگر تبیین فساد:** در مهمترین مطالعات جامعه شناسی و سیاسی مربوط به فساد دو رهیافت اساسی در تبیین علل ظهور و تعمیق فساد ارایه شده است (هیوود، ۱۳۸۱): رهیافت اول، مربوط به نظریه کارکردگرایی ساختاری است که بیشتر به ساختارهای کلان جامعه و کیفیت کارکردهای آنها در بروز فساد می‌پردازد، و فساد افزایش یابنده را معلوم عقب

ماندگی و عدم توسعه یافتنی نظام‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند که بستر مناسبی را برای تخصیص لجام گسیخته منابع عمومی بنا به ملاحظات مشخص فراهم می‌کند. اساس فساد کلان بیش از آنکه یک مقوله اجتماعی و اقتصادی باشد، سیاسی است به پشتونه قدرت سیاسی است که به وسیله مکانیسم‌های دموکراتیک رقابتی و نظارتی قابل کنترل نمی‌باشد. در هر جامعه‌ای که نهادهای نظارتی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و صنفی قادر به نظارت و اثر گذاری بر تصمیم‌گیری‌های حکومت نباشند و نهادهای قضایی و اطلاعاتی نیز تحت نفوذ و کنترل قدرت سیاسی آیند، امکان تعمیق و پایداری مفاسد بیشتر است.

رهیافت دوم در سطح خرد و در قالب نظریه عقلانیت فردی مطرح شده است که معطوف به ویژگی‌های رفتاری و هنجاری کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی مرتبط است. در این رویکرد فساد به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه‌ها و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می‌شوند. در این مدل، افراد تصمیم‌گیر، موجوداتی عقلانی هستند که می‌کوشند منافع خداکشی خود را از منابع کمیاب تحقق بخشنند.

برخی از محققان برای تبیین وضعیت فساد با یک تقسیم بندی دیگر، پنج رویکرد تبیینی را برای بررسی وضعیت فساد ارایه داده اند (ربیعی، ۱۳۸۳):

الف) رویکرد هزینه- فایده: در این رویکرد چنانچه افراد فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگتر ببینند، در جهت آن اقدام خواهند کرد و اگر مجازات‌ها با افراد فاسد ضعیف باشد، افراد اقدام به رفتار فساد آمیز می‌کنند.

ب) رویکرد محرومیت نسبی: اگر افراد نسبت به داشته‌های خود احساس بی عدالتی کنند، اقدام به رفتار فساد آمیز خواهند کرد. نابرابری اقتصادی، محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی، خوبشاؤند سالاری و ... موجب بروز این رفتار می‌شود.

ج) رویکرد رانت جویی: امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد و قوانینی که با تصمیمات فردی زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می‌کند، موجب اعمال فساد آلود می‌شود.

د) رویکرد کارفرما- غیر کارگزار: زمانی که انجام کارهای کلان به افراد خاصی واگذار می‌شود، کارگزاران معمولاً بر خلاف اهداف کارفرمای دولتی، منافع خود را پیگیری و به این ترتیب زمینه را برای فساد مهیا می‌کنند.

۵) رویکرد حامی- پیرو: ساختار نامناسب اقتصادی، باندباری در ساخت سیاسی، نوچه گرایی در انتسابها و گماردن پیروان در گلوگاههای تصمیم‌گیری با پشوونه حامیان قدرتمند، زمینه‌های فساد را فراهم می‌سازد (با استفاده از: راغفر: ۱۳۸۲).

در دهه‌های اخیر شواهد زیادی نشان می‌دهد فساد، اثرات نامطلوبی را بر جای گذاشت (Theobald, 1990)؛ بی ثباتی و توسعه نیافتگی سیاسی را افزایش داده، (Ouma, 1991) او تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد، عملکرد نظام اداری، خدمات عمومی و کارآیی و توسعه سیاسی دارد. با استمرار و دوام فساد، مشکلات اقتصادی و هدر رفتن منابع عمومی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، افزایش، کارآیی دولت کاهش، تلاش‌ها برای اصلاحات اداری و مقیاس‌های حسابرسی با مشکل مواجه (United Nations, 1990) و افول شور کارآفرینی و باعث سوءاستفاده از منابع کمیاب، تضعیف توانایی‌های اداری و نهایتاً با تداوم آن، موجب فروپاشی سیاسی می‌گردد و ثبات، دموکراسی و انسجام ملی را از ریشه ویران می‌کند (Khan, 2010).

#### ۴. ابزارهای فساد مالی و اقتصادی

مفاسد مالی و اقتصادی با استفاده از ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و قانونگذاری زیر، بویژه در کشورهای در حال توسعه- و از جمله تا حدی ایران- اشاره نمود:

توسعه نیافتگی سیاسی: مطالعات تطبیقی تجارب کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه، و فرایند توسعه یافتنی و نیز چگونگی تشکیل دولت‌های ملی و نقش نهادهای سیاسی در این جوامع، بر وجود رابطه بین دموکراسی و فساد تأکید دارد. تمایل به انتخاب مجدد برای سیاستمداران، محدود کننده فساد آنان است. حمایت از آزادی‌های مدنی و بیانکه معمولاً همراه با دموکراسی هستند، باعث امکان ایجاد دولت شفاف و آزاد می‌شود. در مقابل حکومت‌های غیر دموکراتیک به دلیل اینکه حاکمان آنها دارای توان بالقوه‌ای برای تشکیل دولت‌های آینده هستند، بستری برای محرك‌های فساد می‌باشند. در کشورهای جهان سوم، قدرت سیاسی از دو جهت بر فساد تأثیر می‌گذارد: فقدان فرایند مردم سالاری هیچ زمینه‌ای برای کنترل دولت توسط نهادهای مدنی، احزاب و مطبوعات و رسانه‌ها را فراهم نمی‌سازد و در فقدان این ناظرت، با آسودگی خیال برای نخبگان دولتی، فساد با سهولت بیشتر صورت می‌گیرد. همچنین دولتمردان در جهان سوم حضورشان در حاکمیت را موقتی تلقی می‌کنند و به کسب حداکثر امکانات می‌پردازند.

فقدان احزاب و فعالیت‌های سیاسی: در دنیای امروز، احزاب بخشی جدایی ناپذیر از حیات اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. در کشورهای توسعه نیافته، رقابت برای تصاحب قدرت، کمتر در قالب فعالیت احزاب صورت گرفته و بیشتر همراه با حذف و برخوردگاهی نظامی یا خشونت صورت می‌گیرد. مطالعات درباره رابطه احزاب با فساد مالی نشان می‌دهد که با وجود احزاب مستقل و متنوع، فساد مالی کمتری رخ می‌دهد. از سوی دیگر، در این کشورها هزینه رقابت و فعالیت سیاسی بالا است و از رقابت سیاسی منظم و هدفمند جلوگیری می‌شود و با ایجاد وابستگی یا حذف، جامعه مدنی تضعیف و موجب می‌شود که شهروندان کمتر قادر به اثر گذاری بر دولت باشند و از طرف دیگر، توسعه درازمدت یک فرایند سیاسی رقابتی، پاسخگو و آزاد، نه تنها خود ارزشمند، که پدید آور فرصت‌ها و قدرت واقعی برای کشورها در جریان مبارزه با فساد مالی است.

نظام‌های سیاسی بسته: نوع نظام‌های سیاسی و ساختارهای آن، اشکال مختلف فساد را بروز می‌دهد و الگوهای رانت جویی خود را به وجود می‌آورد. در کشورهای بسته که نظام سیاسی آنها خاندانی است، معمولاً فسادهای سطح اول به صورت قانونی صورت می‌گیرد، در دولت‌های کودتایی، نظام‌های تک حزبی، جمهوری‌های اسمی نیز الگوهای خاصی از فساد جاری است. در این کشورها عموماً با فساد سطح دوم برخورد شده و فسادهای سطح اول در یک تقسیم بندی در حلقه‌های اولیه ساخت سیاسی صورت می‌گیرد. در هر دو الگو، خروج سرمایه توسط نخبگان سیاسی حلقه اول، امری متداول و در نظام‌های سیاسی در حال گذار، در هر دو سطح فساد در میان کارکنان و نخبگان جریان دارد. در این نظام‌ها که جریان مردم سalarی ضعیفی وجود دارد، نوع خاصی از فسادهای تعریف نشده و هرج و مرچ گونه مشاهده می‌گردد.

عقب ماندگی فرهنگی: در برخی کشورها فساد به صورت یک هنجار عمومی، پذیرفته شده که در تعدادی از کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است. این فرایند به صورت تاریخی شکل گرفته و ریشه کنی آن نیز زمان بسیار می‌برد.

جنسيت: برخی مطالعات، به نقش جنسیت توجه نموده و نتیجه گرفته اند که مردان فاسدتر از زنان هستند، و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های کلان، موجب کاهش بروز و شیوع فساد می‌شود. با این وجود، تحقیقات نشان می‌دهد که در حالی که جنسیت بر فساد مؤثر است، اما دلیل فساد بیشتر به مکانیزم سازمانی مربوط می‌شود تا ویژگی‌های خاص جنسیتی.

حامی پروری: حامی پروری در مراکز حساس یا از طریق افراد قدرتمند در پست‌های سیاسی و مقامات ارشد صورت می‌گیرد و شبکه‌های قدرت اقتصادی اقدام به حمایت و رشد افراد مورد نظر در مدیریت‌های کلیدی می‌کنند.

توسعه نیافتگی: بین فساد و توسعه رابطه معکوسی برقرار است. گستره آموزش و روابط قانونی در کشور‌های کمتر توسعه یافته، با کاستی رو به رو است. باز بودن و عدم تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در توسعه یافته‌ها و تمرکز اقتصادی و گسترش بخش عمومی و دولتی و محدود بودن فضای اقتصاد خصوصی، از عوامل بروز فساد در کشورهای توسعه نیافته است.

قوانين مبهم و یک سویه: شاید بتوان گفت که عمدترين ابزار فساد مالی و اقتصادي، سوء استفاده از قوانين نامناسب موجود، عدم وجود قوانين و مقررات در پارهای موارد، و روشن و شفاف نبودن بسياري از قوانين و مقررات مي باشد؛ مانند مقررات صدور مجوزهای مختلف، مقررات تعیین محدوده ها، و مقرراتی که ارزش اقتصادي زيادي بر آنها مترب است و مقرراتی که بسياري از هزينهها و اعتبارات را از شمول قانون محاسبات عمومي خارج می سازد.

در اين زمينه، در مقاطعی در کشور شاهد بوديم که قوانين به صورتی تنظيم می شده که اصطلاحاً به آن گرد نويسي در قوانين گفته می شود. اين شيوه در هنگام تدوين لايجه بودجه نيز به کار می رود.<sup>۱</sup>

ضعف قانون از دو جنبه بر روند فساد تأثير می گذارد:

ضعف قوانين مناسب در مبارزه عليه فساد: فقدان قانون منسجم ضد فساد به عنوان عاملی مؤثر در بروز و گسترش فساد عمل می کند. پس قوانين ناکارآمد در بخش‌های تجاری، مالي، بانکي، ثبت استاد و ساير ابعاد اقتصادي، خود پناهگاهی برای افراد فاسد و بروز فساد مالي می شود. قوانين غير شفاف متعدد، متناقض و ناهمانگ منفذهایي برای کارمندان عالي‌رتبه و نيز رده پايان و فرصت‌طلبان پديد می آورد و در نهايت، فساد مانند يك دژ محکم و تسخیر ناپذير در ساختار دولتي بویژه در کشورهای در حال توسعه باقی می ماند.

قانون حقوق و دستمزد: دستمزدهای پايان در ساختار اداري کشورهای در حال توسعه، از عوامل بروز و گسترش فساد مالي است. پايان بودن دریافت‌های کارکنان، وضعیتی را به وجود می آورد که در بهترین حالت کارمندان، بخش دولتی را به عنوان سکویی برای پرتاپ فعالیت

۱. نقطه اوج اين اتفاق را در دولت‌های نهم و دهم شاهد بوديم. بودجه‌های ارائه شده در اين دو دولت، به شدت تأثير به اصطلاح «گردنويسي» قرار دارند که قوانين مورد توجه قرار نمی گيرند. در بودجه‌های دولت نهم و دهم، ارقام و منابعی ارائه شده که فاقد ردیف و هزينه کرد مشخص است. يعني منابعی در بودجه وجود داشته است که اختیار هزينه کرد آنها در اختیار دولت و شخص رئيس دولت قرار داشته است (تاجگردون، ۱۳۹۲).

های آینده خود در بخش خصوصی تلقی کنند (ربیعی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، پایین بودن حقوق کارکنان، هزینه اخراج را در موقع افشای فساد، پایین می‌آورد. همچنین جریمه‌هایی مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین تراکم مربوط به شهرداری در ایران از جمله موارد فسادخیزاند.

دستگاه قضایی ناکارآمد: دستگاه قضایی از دو جهت تأثیر عمیق و پایدار بر فرایند فساد دارد: نخست کوتاهی این دستگاه در رسیدگی به تخلفات، و اعمال نفوذ در رسیدگی‌ها به پرونده افراد آلوده یا «نارسیدگی» در پرونده. در اکثر کشورهای در حال توسعه و گذار، فساد واکنشی به مشکلات اساسی در مدیریت دستگاه قضایی است. سه مشکل اصلی دستگاه قضایی این کشورها عبارتند از (راغفر، ۱۳۸۲): ماهیت اصلی قوانین، ضعف مدیریت دادگستری و ناتوانی دستگاه قضایی در کنترل دولت.

بی ثباتی سیاسی و اقتصادی: در نظام‌های بی ثبات، افرادی که قدرت را در مقطعی به دست می‌گیرند، چون ناپایدارند، اقدام به چپاول منابع اقتصادی می‌کنند. از سوی دیگر، فساد مالی و سیاسی، موجب ایجاد نگرش منفی و اعتراض آمیز در جامعه شده و این نظام‌ها را با فقدان مشروعیت رو به رو می‌سازد و بی ثباتی تشدید می‌گردد. همچنین در بی ثباتی اقتصادی نظام قیمت از کار می‌افتد و برای تخصیص منابع به تولید و مصرف کنندگان علامت نمی‌دهد و سودهای رانتی از اصطکاک بازار افزایش می‌یابد.

قراردادهای خرید و سرمایه‌گذاری دولتی: بسیاری از دستگاه‌های اجرایی مستقیماً با شرکت‌های خارجی و داخلی قراردادهای هنگفت خرید معقد می‌کنند. قرارداد خرید کالاهای اساسی در حجم زیاد، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و تجهیزات آنها، تجهیزات صنعتی در شرکت‌های دولتی از این جمله هستند که کنترل و یا انعقاد آنها توسط مأموران دولتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارتکاب فساد مورد سوء استفاده قرار بگیرد. از طرف دیگر، تشخیص و انتخاب پیمانکاران طرح‌های بزرگ مانند احداث جاده، فرودگاه، پل که از اختیارات کارگزاران دولتی است، می‌تواند به گونه‌ای صورت گیرد که به نفع پیمانکاران خاصی تمام شود و یا باعث سوق دادن اعتبارات به سوی بعضی مناطق خاص گردد. تأیید انجام کار و تحويل گرفتن کاری که در واقع خاتمه نیافته، همگی ابزارهایی است که می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد.

توزیع امکانات، اعتبارات و مزايا: قیمتگذاری کالاهای اعطای سوبسیدها به تولید و مواد اولیه و سوخت، وام‌های بانکی کم بهره برای موارد خاص، ارز خارجی با نرخ‌های ترجیحی، به برخی اشخاص حقیقی و حقوقی، می‌تواند زمینه فساد را ایجاد نماید. گزینش نیروی انسانی و ترفیع

رده و درجه که گاه به خرید و فروش مشاغل نیز منجر می‌شود، اختیار تخصیص مزایای ویژه به برخی اشخاص، مانند پرداخت‌های از کار افتادگی، بورس‌ها و کمکها و ارائه خدمات دولتی زیر قیمت معمول بنا به برخی ملاحظات شخصی، نیز از مصاديق فساد است.

کارگزاران دولتی همواره با سوشهای بسیار قوی برای سوء استفاده از قدرت مواجهند. گرایش مقامات دولتی به انجام اقداماتی که به نفع جامعه نیست، عملکرد اقتصادی دولت را مخدوش کرده، می‌تواند با اشکال تراشی‌ها، بهانه‌گیری‌ها، دلسرب کردن شرکت‌ها و افراد درستکار، اثرات نامطلوبی بر رشد و توسعه بر جای گذارد. نادیده گرفتن روح آیین‌نامه‌ها، آسیب‌های اجتماعی جدی برای جامعه به دنبال دارد. در بسیاری از کشورها در زمینه قوانین مالیاتی یا مجوزهای واردات یا صادرات کالاهای خاص، اختیارات گسترده‌ای برای مقامات در نظر گرفته شده است و آنها این قدرت انحصاری را در اختیار دارند که ضروری بودن یک سرمایه‌گذاری یا واردات یک فعالیت را تشخیص دهند و به عنوان یک منبع انحصاری برای اعطای چنین مجوزهایی عمل نمایند و تعدد قوانین و مقررات نیز اغلب زمینه مساعدی را برای بروز فساد فراهم می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

هر قدر حوزه استفاده از این ابزارها در کشور وسیع‌تر باشد، احتمال بروز فساد نیز بیشتر خواهد بود. کنترل ابزارهای مذکور، به کارگزاران دولت قدرت زیادی می‌دهد که در صورت وجود جو اجتماعی مناسب و فقدان مجازات‌های مناسب، می‌توانند برای خود و ایستگان و آشنایان مزایای زیادی را کسب نمایند. در این صورت به اقتدار و نیز اعتبار دولت لطمه می‌خورد. در این حالت، شاهد نوعی خصوصی‌سازی قدرت دولت هستیم که قدرت دولت به جای انتقال به بازار، به مدیران دولتی می‌رسد و در نهایت، به عملکرد بازار نیز لطمہ می‌زند و در طولانی مدت به شکست بازار<sup>۱</sup> منجر می‌شود.

سیاست‌های اقتصادی ناکارا: «اقتصاد بسته» و نیز سیاست‌های اقتصادی ناکارا در کشورهای در حال توسعه، «اقتصاد زیرزمینی» را رایج و این نوع اقتصادها به طور اجتناب ناپذیر با فساد مالی و سیاسی در هم تنیده می‌شوند. خصوصی‌سازی نیز اگر به درستی انجام شود، می‌تواند با خارج کردن دارایی‌های خاصی از کنترل دولت به انتخاب‌های مبتنی بر محرك‌های بازار توسط بخش خصوصی، از فساد بکاهد. اما ضعف حکومت مانع پیشرفت بخش خصوصی کارآمد و سالم و در نتیجه افزایش فساد می‌شود. خصوصی‌سازی یک روند برای خروج از بن بست تمرکزگرایی فسادآمیز است و می‌توان آن را به عنوان یک برنامه اصلاحی برای مقابله با فساد

1. Market failure

فلمداد کرد. لکن این روند اصلاح آمیز، خود وقتی به دست افراد فاسد صورت گیرد، به یک منبع بالقوه جدید برای ایجاد درآمدهای فاسد تبدیل خواهد شد. اگر چه خصوصی سازی در طیف وسیعی از موارد مفید است، اما اصلاحگران باید فرایندی را طی کنند که انگیزه‌های رانتخواری را کاهش دهد و باید گسترده‌ترین سطح مشارکت را، به جای جانبداری از انتلاف‌هایی که پیوندهای قوی با نخبگان دارند برقرار کرده و شفاف باشد (ragfer، ۱۳۸۲).

##### ۵. سطح، شدت و درجه‌بندی فساد

مطالعات نشان می‌دهد که فساد بیشتر در دو سطح صورت می‌گیرد (ربیعی، ۱۳۸۳): سطح کلان و سطح خرد. فساد در سطح کلان، بیشتر به نخبگان سیاسی و مقامات ارشد دولتها مربوط می‌شود (فساد یقه‌سفیدان). سطح خرد فساد عبارت است از مبالغات فاسدی که در سطح کارمندان رده‌پایین و در ارتباط مستقیم با ارباب رجوع صورت می‌گیرد (فساد یقه‌آبی‌ها). نقش عوامل سیاسی و کلان در ایجاد فساد، بسیار مهم است. بسیاری بر این باورند که فساد بیشتر در دستگاه دولت، هم در سطح کلان (بین مسؤولان عالی‌رتبه) و هم در سطح خرد (بین کارمندان رده‌های پایین) اتفاق می‌افتد. فساد رده‌های میانی و پایین، تا حد زیادی به میزان فساد در بین رده‌های بالای نظام، یعنی مقامات بستگی دارد. وقتی بخشی از هیأت حاکمه فساد باشد، برای دستیابی به درآمدهای فاسد، از یکسو به کمک مدیران میانی نیازمند است و از سوی دیگر، ناچار است نهادهای حسابرسی و نظارتی، مانند مطبوعات، دستگاه‌های قضایی و سازمان‌های بازرگانی را تضعیف (نصرتی، ۱۳۷۷) و یا فاسد کند. در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده‌های میانی که مرتکب فساد اداری می‌شوند، کمتر نگران کشف جرم و تنبیه‌اند؛ چون غالباً میان مسؤولان رده‌بالا و مدیران میانی، نوعی تبانی ایجاد می‌شود؛ که مبارزه با فساد را سخت می‌کند. بر این اساس، گلوگاه فساد، فساد اداری در سطح مسؤولان عالی‌رتبه است (حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

همچنین امروزه در سطح بین‌المللی ابزارهایی برای اندازه‌گیری فساد در کشورهای مختلف وجود دارد. مراجعی مانند سازمان شفافیت بین‌الملل<sup>1</sup> و مؤسسه مشاوره ریسک اقتصادی<sup>2</sup> در زمینه مبارزه با فساد به کشورهای داوطلب کمک می‌کنند. سازمان شفافیت بین‌الملل (TI) هر سال با ارائه گزارشی، کشورهای مختلف را با محاسبه شاخص فساد مربوط به

1. International Transparency  
2. Consultancy Economic Risk

آنها امتیازبندی می‌کند. شاخص اندازه‌گیری فساد (CPS) که رتبه کشورها را از نظر فساد مشخص می‌کند، بین دو عدد صفر (حداکثر فساد) و ۱۰ (حداقل فساد) قرار دارد.<sup>۱</sup> به عنوان مثال در رتبه بندی فساد در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۰۸، کشور دانمارک با کسب امتیاز ۹/۳، پاک‌ترین کشور در جمع ۱۸۰ کشور جهان بوده و در رأس کشورهایی قرار گرفته است که در آنها رشوه دریافت نمی‌شود. در همین سال کشورهای فقیر و در حال توسعه جهان در پایین جدول قرار گرفته‌اند و بیشترین درجه فساد را داشته‌اند. بر اساس گزارش سازمان (TI)، ایتالیا که در سال ۱۹۹۵ از امتیاز ناچیزی (۲/۹۹) برخوردار بود، با اجرای اصلاحات اساسی در دستگاه دولتی به امتیاز ۴/۸ و کسب رتبه ۵۵ در سال ۲۰۰۸ دست یافته است. امروزه بسیاری از رهبران کشورهای جهان سیاست‌هایی برای مبارزه علیه فساد در دستور کار خود قرار داده‌اند.

#### ۶. انواع فساد مالی

به طور کلی مفاسد مالی و اقتصادی شامل مفاسد عمدۀ زیر می‌باشد:

رشوه: عبارت است از رد و بدل شدن پول یا دیگر مصادیق ثروت در مقابل هرگونه سوء استفاده از اختیارات قانونی و دولتی در همه زمینه‌ها (اکبری، ۱۳۷۶). زشتی رشوه آنقدر است که حتی طرفین رشوه، مایل نیستند این کلمه را به کار ببرند و از آن در پوشش عناوینی مثل هدیه، ناقابل، شیرینی، حق الزحمه، انعام، پول چایی، زیرمیزی و ... استفاده می‌کنند. پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد. زمینه‌های کاربرد رشوه عبارتند از: ۱- مناقصه؛ ۲- مزایده؛ ۳- خریدهای دولتی؛ ۴- تسریع در انجام امور قانونی؛ ۵- پرداخت به دولت؛ ۶- سندسازی؛ ۷- کسب امتیازات؛ ۸- امور بانکی؛ ۹- امور قضایی؛ ۱۰- سایر موارد.

در واقع پدیده رشوه یکی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق مردم و پایمال شدن حقوق محرومان به وسیله اغنياء و قدرمندان می‌باشد. گسترش رشوه‌خواری در جامعه موجب نابودی اصول اخلاقی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و تغییر نگرش افراد و سازمان‌ها به وظایف خود و رواج بی‌اعتمادی و بی‌تفاوی و عدم دلسوزی و کمکاری می‌شود و در غیاب افراد سالم، رشد و

۱. لوییس کوریر، پل، فساد و اخلاق، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.

توسعه را مختل می‌سازد. رشوه اخلاق اجتماعی را ویران می‌سازد و اصول و ضوابط و مقررات را در هم می‌ریزد.

به طور کلی، انگیزه‌ها و عواملی که موجب شیوع و گسترش رشوه‌خواری در جامعه می‌شود عبارتند از: الف) تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی؛ ب) ضعف اعتقادات دینی؛ ج) عدم پایبندی به قانون.

رشوه و رشوه‌خواری یکی از رایج‌ترین و گستردۀ‌ترین انواع مفاسد مالی و اقتصادی است که در سطح بین‌المللی به شدت رواج دارد و علاوه بر وارد نمودن زیان‌های شدید بر اقتصادهای ملی، اقتصاد و تجارت بین‌المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده، به طوری که در حال حاضر سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، رشوه را از مهمترین مخاطرات و موانع جدی اعتماد بین‌المللی در مبادلات می‌دانند. قرارداد OECD در مورد مبارزه بر علیه رشوه‌خواری در سال ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمد. حداقل مقدار شاخص پرداخت رشوه صفر (بدترین وضعیت) و حداکثر آن ۱۰ (بهترین وضعیت) است.

اختلاس<sup>۱</sup>: اختلاس، ربودن منابع توسط افرادی که به آن دسترسی دارند. و به عبارت دیگر، کارگزاران بخش عمومی، از نهادی که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده کنند، اقدام به برداشت نمایند.

اختلاس به عنوان یکی از مصاديق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به معنای ربودن، دستبرد زدن و دست‌اندازی به مال دیگران می‌باشد و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست‌اندازی بر مال دیگران اطلاق می‌شود و عبارت است از اینکه با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند (سمیعی، ۱۳۴۸).

اختلاس، در تعریفی گسترده‌تر از فساد اداری می‌گنجد. اختلاس، دزدی قلمداد می‌شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد و دارایی شخصی سرقت نمی‌شود اما منافع عمومی به خطر می‌افتد (حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

#### ۷. سایر مفاسد مالی

آشنابازی؛ آشنابازی،<sup>۲</sup> روباهی است که به موجب آن یک مأمور دولت، خویشاوندان را به خدمات دولتی منصوب می‌کند و آنها را در لیست حقوق بگیران دولتی قرار می‌دهد و یا آنها را از امتیازات

1. Embezzlement  
2. Nepotism

دیگری برخوردار می‌سازد تا بر حیثیت یا درآمد خانوادگی بیافزاید و یا به جای توسعه رفاه عمومی به ساختن یک ماشین سیاسی یاری رساند (گولد و همکار، ۱۳۷۶).

پارتی‌بازی، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که امتیازی به افراد همسود داده شود و بویژه در فرایند خصوصی‌سازی‌ها و توزیع جانبدارانه منابع دولتی اعمال می‌شود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانبداری از دولت، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش می‌گذارد، رابطه‌ای نزدیک با فساد اداری دارد. به عبارت دیگر، پارتی‌بازی روی دیگر آشنا بازی و فساد اداری است.

مأمورانی که به منابع دولتی و توزیع این منابع دسترسی دارند، تمایل شدیدی به پارتی‌بازی دارند تا امتیازاتی را به افرادی خاص ببخشند. در بسیاری از کشورهای استبدادی و نیمه‌دموکراتیک، پارتی‌بازی یکی از مکانیسم‌های سیاسی اساسی به‌شمار می‌آید. در بسیاری از نظام‌های غیر‌دموکراتیک، رئیس جمهور از قدرت بی، و یا کم نظرات در نصب مقام‌های رده‌بالا برخوردار است که، به صورتی گسترده زمینه را برای پارتی‌بازی فراهم می‌سازد (با استفاده از: حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

خویشاوند سalarی شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیر، اقوام خود را بدون دلیل - بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قراردادن اعضای خانواده خود در پست‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند.

رقابت ناسالم یا فریب کارانه: بعضی از اشخاص و بنگاه‌ها منافع خود را در بی‌نظمی جستجو می‌کنند، زیرا در محیطی منظم و در رقابتی سالم، شانس مقاومت در برابر تولیدکنندگان کارآمد را ندارند. و تنها در مقطعی کوتاه و تا زمانی که اعمال خلاف شان آشکار نشده، می‌توانند با اقدامات غیراخلاقی و متقابلانه خود، در رقابتی ناسالم، در موقعی باعث ورشکستگی رقیبان درستکار شوند. در حقوق تجارت این نوع رقابت ناسالم، رقابت مکارانه و طبق قانون، ممنوع است.

تولید و توزیع کالاهای معیوب و مضر: مسؤولیت تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کالاهای معیوب و مضر، یکی از مباحث مهم حقوق تجارت ملی و بین‌المللی در کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشد و این کشورها به موازات توسعه طی فرایند توسعه، با تدوین قوانین و مقررات مناسب، روابط اشخاص در جامعه را با تحولات جدید تنظیم نموده و هماهنگی لازم

بین بخش‌های مختلف را برقرار کرده؛ به طوری که تولید و توزیع کنندگان کالاهای معیوب و مضر، دارای مسؤولیت مدنی و کیفری می‌باشند.

سوء استفاده و کلاهبرداری: انتقال منابع به اشخاص، بدون ظاهر شدن در حساب‌های رسمی یا سر فصل‌ها که در غالب موارد این دو با هم همراه و تفاوت مقررات کشورها و محروم‌انه بودن حساب‌های بانکی افراد این فرایند را آسان‌تر کرده است.

حق السکوت<sup>۱</sup>: نوعی باجگیری است که از شخص حقیقی یا حقوقی یا بعضًا دولتی اخذ می‌گردد.

#### ۸. آثار و پیامدهای فساد مالی

شیوع مفاسد مالی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای اقتصادی بسیاری را به همراه داشته باشد؛ از جمله:

(الف) آثار منفی فساد مالی بر تخصیص صحیح منابع: فساد مالی، کار تعقیب اصل تخصیص تهیه منابع به وسیله دولت را فلچ می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌های اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در اینجا است که افراد به سمت فعالیت‌های نادرست می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد.

(ب) آثار منفی فساد مالی بر توزیع صحیح درآمدها: این اثر از طریق کاهش درآمدهای دولتی پدید می‌آید و این کاهش توانایی، باعث می‌شود دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان شود. الگوی نادرست درآمدها باعث رواج نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید طبقاتی می‌شود و در بلندمدت از تحقق کامل عدالت اجتماعی جلوگیری خواهد کرد. در اینجا است که اقشار ضعیف و کم درآمد، از مزایایی رفاه اجتماعی کم ترین بهره را خواهند داشت؛ در توزیع درآمدها جایگاهی ندارند و سرمایه‌گذاری‌های دولتی به نفع این گروه نخواهد بود.

(ج) آثار منفی فساد مالی بر کارآیی اقتصادی: فساد بیشتر، کارآیی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارآیی، به فساد بیشتر خواهد انجامید و بین

1. Hush - money

کاهش کارآبی و افزایش فساد مالی دور باطلی ایجاد می شود که نتیجه آن، حاکمیت گستردگی فساد و عوارض ناشی از آن و شکل گیری انگیزه های فاسد است.

۵) تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری: فساد، در میان مدت، سرمایه‌گذاری های عمومی را کاهش داده و عمدۀ سرمایه‌های موجود در جامعه را به سمت بخش های فاقد بهره وری که زمینه اختلاس، پول های بادآورده و فرار از پیچ و خم های ناشی از اعمال فساد در آنها بیشتر به دست می آید، سوق می دهد. عدم سرمایه‌گذاری در بخش های مولد، کاهش کارآمد بودن سیاست های صنعتی و ترغیب فعالیت های اقتصادی در بخش غیر رسمی به منظور نقض مالیات و قوانین نظم بخش از جمله دیگر پیامدهای فساد بر سرمایه‌گذاری ها است. تأثیر فساد صرفاً بر سرمایه‌گذاران داخلی محدود نمی شود. سرمایه‌گذاران خارجی که با کارمندان ذی ربط در ارتباط هستند معمولاً چهار سردرگمی بوده و هر آن مترصد به هم خوردن قراردادها و زد و بندۀایی که هزینه های زیادی بر آنها تحمیل خواهد کرد، هستند. روند تشدید کننده دیگر، خروج سرمایه‌های به دست آمده ناشی از فساد، توسط نخبگان به خارج از کشور و خارج کردن آنها از چرخه تولید و سرمایه‌گذاری است. کارمندان سطوح پایین تر نیز در آمدهای ناشی از فساد را بیشتر صرف تقاضاهای کاذب خود خواهند کرد تا پس انداز.

۶) آثار منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی: تأثیر منفی عمیق فساد مالی، بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه خواهد بود. کاهش کارآبی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه های سرمایه‌گذاری در بلند مدت، بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت (لیت و وایدمن، ۱۹۹۹).

در مجموع می توان گفت که پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور ما می تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود (hawzah.net).

## ۹. وضعیت کشورهای جهان و ایران از نظر فساد

مفاسد مالی، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه دولت ها دارند. پدیده فساد مالی، عارضه ای است که کم و بیش در کلیه جوامع وجود دارد و با درجه های گوناگونی، طی سال های گذشته، همه کشورها را - کم و زیاد - در بر گرفته است. تحقیقات بسیاری درباره رتبه بندی کشورهای جهان در زمینه شیوع پدیده فساد مالی صورت می گیرد. اطلاعات این رتبه بندی بر درک تاجران خارجی است و اصلانمی تواند دلیلی بر میزان و شدت معضل فساد مالی خیلی

دقیق در داخل کشورها باشد. رتبه برخی از کشورها که در سال ۲۰۰۰ میلادی از سوی «سازمان شفافیت بین المللی»<sup>(۳)</sup> منتشر شده است، نام ایران دیده نمی‌شود؛ اما در رتبه بندی دیگری که سازمان شفافیت بین المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه کرده، نمره ایران ۳/۲۵ محاسبه شده که جایگاه خوبی نداشته است (با استفاده از: دادگر).

بانک جهانی نیز میزان فساد و ارتشا را در جهان گزارش می‌کند و گزارش‌ها نشان می‌دهد که کشورهای ضعیف و جهان سومی و کشورهایی که مرکز هستند، درجه بالاتری از میزان فساد مالی را دارند و کشورهای توسعه یافته، کمتر به آن دچارند و زمینه فساد در آنها، کمتر فراهم است. تلاش کنونی جامعه جهانی در مبارزه با فساد، نامتوازن است و نوک تیز آن، متوجه مقام‌های دولتی در نظام‌های فاسد کشورهای عقب مانده است؛ در حالی که منشاء بخش اعظم فعالیت‌های فسادآمدو در تجارت بین الملل، در کشورهای صنعتی قرار دارد که بیش از کشورهای دیگر، ندای مبارزه با مفاسد را سر داده اند<sup>۱</sup> (فوگل، ۱۳۷۷). عدم توازن در امر مبارزه همگانی با فساد مالی در سطح جهانی، به ضرر همه کشورها خواهد بود.

رتبه ایران با روند نزولی در فهرست ۲۰ درصد کشورهای فاسدجهان: در گزارش سازمان شفافیت بین الملل، سومالی، کره شمالی و افغانستان (با ۸ امتیاز از ۱۰۰) فاسدترین کشورهای جهان بین ۱۷۷ کشور در سال ۲۰۱۳ شناخته شدند. کشورهایی که بدترین عملکرد را در این زمینه دارند، کشورهایی هستند که درگیر جنگ بوده اند. در این شاخص ایران با ۲۵ امتیاز در رتبه ۱۴۴، در حالی که در میان کشورهای همسایه، ترکیه با ۵۰ امتیاز در رتبه ۵۳، قرار داشته است.

در مقابل دانمارک و نیوزیلند هر یک با ۹۱ امتیاز و پس از آنها فنلاند و سوئد با ۸۹ امتیاز، کشورهایی بودند که حداقل فساد را داشتند. همچنین نرزو و سنگاپور با ۸۶ امتیاز در رتبه پنجم و پس از آنها سوییس، هلند، استرالیا، کانادا، لوکزامبورگ، آلمان، ایسلند، انگلیس و باربادوس قرار گرفتند. در سطح منطقه ای اروپای شرقی و آسیای مرکزی (۹۵ درصد فساد) بدترین رتبه را داشتند و اروپای غربی و اتحادیه اروپا (۲۳ درصد فساد) بهترین رتبه را به دست آوردند. میزان فساد در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ۸۴ درصد عنوان شد.

امتیاز ایران در شاخص ادراک فساد در سال گذشته میلادی (سال ۲۰۱۲)، معادل ۲۸ گزارش شده بود که جایگاه ۱۳۳ را در بین کشورهای مورد بررسی نصیب ایران کرده بود. گزارش

۱. کشورهای بندهای آسودگی نیز قابل توجه است که به دلیل مقررات سخت کنترل آسودگی در کشورهای پشرفته صنعتی، باعث شده است تا صنایع آسوده ساز به کشورهای در حال توسعه منتقل گردد.

جدید نشان می دهد، نمره ایران در شاخص ادراک فساد در سال جاری، به میزان سه واحد کمتر شده (از ۲۸ به ۲۵) رسیده و به این ترتیب، جایگاه ایران نیز در این رتبه‌بندی، با ۱۱ پله نزول از ۱۳۳ به ۱۴۴ تغییر یافته است. موضوعی که نشان دهنده بدتر شدن وضعیت ایران در زمینه فساد اداری، از نگاه این نهاد ناظر بین‌المللی است. همچنین با توجه به اینکه ایران به طور مشترک با پنج کشور دیگر در جایگاه ۱۴۴ قرار گرفته، می‌توان گفت تنها ۲۸ کشور جهان در زمینه فساد اداری وضعیتی بدتر از ایران دارند.

بررسی گزارش‌های پیشین این نهاد در خصوص وضعیت فساد در کشورها نشان می‌دهد در ۱۰ سال گذشته، به طور نسبی جایگاه ایران به طور تدریجی نزول بیشتری در این رتبه‌بندی یافته است. سازمان شفافیت بین‌الملل از سال ۱۹۹۵ گزارش‌های سالانه خود را در زمینه وضعیت «ادراک فساد» در کشورها تهیه و منتشر می‌کند، اما ایران از سال ۲۰۰۳ وارد گزارش‌های این سازمان شده است. در سال ۲۰۰۳ (معادل ۱۳۸۲)، ایران در بین ۱۳۳ کشور مورد بررسی، با نمره ۳/۰ از ۱۰، جایگاه ۷۸ را داشت. این جایگاه بهترین رتبه ایران از آن زمان به بعد بوده و در ۱۰ سال بعدی، هیچگاه نمره ایران معادل ۳/۰ یا بالاتر از آن نبوده است. از نظر سازمان بین‌المللی شفافیت، شاخص فساد ایران در سال ۲۰۰۳ امتیاز ۳ داشته<sup>۱</sup> که در سالهای بعد به ترتیب ۳، ۲/۹، ۲/۷، ۲/۵ و ۲/۳ بوده که نشان می‌دهد در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ فساد افزایش یافته و جایگاه کشورمان از نظر این شاخص در سال ۷ به ترتیب رتبه ۱۳۱ جهانی و ۱۳ منطقه‌ای و در سال ۲۰۰۸ به ترتیب رتبه ۱۴۱ جهانی (بین ۱۶۶ کشور) و ۱۶ منطقه‌ای (بین ۲۳ کشور) را داشته است.

بدترین جایگاه ایران نیز در این سال‌ها مربوط به سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) بوده که در این سال، رتبه ایران در سال‌های گذشته از لحاظ این شاخص، بدتر شده است. در جدول زیر ۵ کشور برتر و ۵ کشور از بدترین کشورها و رتبه ایران و سه کشور هم رتبه ایران ملاحظه می‌گردد.

۱. گزارشات سازمان بین‌المللی شفافیت، سالهای مختلف، به نشانی: [www.transparency.org](http://www.transparency.org)؛ توضیح اینکه امتیازدهی آن سازمان از صفر (بدترین) تا ۱۰۰ (بهترین) بوده است.

### جدول ۵. کشور برتر و ۵ کشور از بدترین کشورها و رتبه ایران و سه کشور هم رتبه ایران

	Country Rank	Country / Territory	Region	CPI 2013 Score	Standard Error	90% Confidence interval		Scores range	
						Lower	Upper	MIN	MAX
1	1	Denmark	EU	91	2.2	87	95	83	98
2	1	New Zealand	AP	91	2.3	87	95	83	98
3	3	Finland	EU	89	1.7	86	92	83	98
4	3	Sweden	EU	89	2.3	85	93	83	98
5	5	Norway	EU	86	2.3	82	90	80	98
150	144	Iran	ME	25	3.9	19	31	15	41
151	144	Nigeria	AF	25	3.1	20	30	14	40
152	144	Papua New Guinea	AP	25	4.2	18	32	11	35
153	144	Ukraine	EE	25	1.7	22	28	18	32
154	150	Guinea	AF	24	3.6	18	30	12	40
177	173	South Sudan	AF	14	1.6	11	17	12	17
178	174	Sudan	ME	11	3.5	5	17	0	21
179	175	Afghanistan	AP	8	3.3	3	13	1	12
180	175	Korea (North)	AP	8	3.4	2	14	1	12
181	175	Somalia	AF	8	1.9	5	11	5	12

International Transparency, 2013

### ۱۰. ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد مالی و اقتصادی با تأکید بر ایران<sup>۱</sup>

ریشه فساد مالی، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت‌های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منابع بین گروه‌های مختلف می‌باشد. با پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان سوم موفق به کسب استقلال سیاسی شدند، اما کشورهای توسعه یافته که دیگر توان حضور در این کشورها را نداشتند، کوشیدند تا با ترویج فساد و رشوه‌خواری و به قدرت رساندن حکام وابسته به خود در این کشورها، از موقعیت به نفع خود بهره‌برداری کنند و

۱. موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله، ج ۲، صص ۳۰-۱۵.

به این ترتیب، مشتریانی مطیع را به خدمت بگیرند. در سالهای اخیر این شیوه سنتی برقراری ارتباط با توجه به سابقه طولانی فساد مالی در کشورهای در حال توسعه، حیات سیاسی و اقتصادی را، هم در کشورهای توسعه یافته و هم، در کشورهای در حال توسعه به خطر انداخته است.

در کشورهای در حال گذار اقتصادی (از اقتصاد دستوری به بازار آزاد) فرصت‌های بی شماری برای دستیابی به ثروت‌های بادآورده (رانت‌های مختلف) ایجاد شده و شبکه‌های فساد سازمان یافته سابق، جای خود را به شبکه‌های فساد آشفته داده است. با تفویض اختیار تخصیص و تفسیر این منابع به مقامات و مأموران دولتی، بازار فساد و رشوه رونق می‌یابد. اگرچه فساد مالی در بسیاری از کشورهای پیشرفت‌نمای وجود دارد، اما در بعضی از کشورهای در حال توسعه که ساختارهای سنتی دارند به مرتبه زیانبارتر است. زیرا اثرات محرّبی بر حقوق مالکیت، قوانین و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری دارد.

فساد مالی در کشور، در زمان‌های گذشته به شدت شیوع داشته و بویژه پادشاهان به آن آلوده بودند و پست‌ها با رشوه‌های کلان خرید و فروش می‌شد (ر. ک: دادگر). مفاسد مالی در زمان پهلوی‌ها نیز به شدت رواج داشت، به طوری که به صورت مسئله‌ای ملّی موضوعیت یافته بود و در آن زمان، دولت با فساد در حال همزیستی به سر می‌برد (نجاتی، ۱۳۷۷).

با پیروزی انقلاب اسلامی، فساد مالی خود به خود به حداقل رسید، چراکه عاملان آن مجال جولان نیافتند؛ ولی متأسفانه رفته ارزش‌های اوایل انقلاب کمنگ ترش و ما امروزه نمونه‌هایی از مصادیق فساد مالی را در کشور می‌بینیم (دادگر، در دست چاپ: فصل اول). آنچه امروزه تحت عنوانی، محاکمه مفسدان مالی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی در کشور به گوش می‌رسد، می‌تواند به عزم ملّی خدشه وارد کند و از اعتماد عمومی بکاهد.

به هر حال، وجود و گسترش فساد مالی، حتّی در حجم کوچک، برای کشور اسلامی ایران قابل توجیه نیست و نمی‌توان حتّی از آن را برای کشور تجویز کرد (hawzah.net). مطالعات انجام شده در ایران و اخبار روزمره رسانه‌ها، حاکی از شیوع وسیع و گسترده این بیماری می‌باشد. براساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط سازمان مدیریت صنعتی در مورد موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران، مهمترین موانع در این مورد، وجود رشوه در نظام اداری، مبهم بودن حقوق مالکیت و نظام حقوقی ناکارامد تشخیص داده شده است. براساس این مطالعه، در میان ۵۴ کشور مورد بررسی جهان، وجود رشوه در دستگاه‌های دولتی ایران (با رتبه ۱/۶۴ از ۷) شدیدتر و بیشتر از سایر کشورها بوده است. در این مقایسه، امتیاز

یک نشان‌دهنده مانع شدید و امتیاز ۷ بیانگر نبودن مانع می‌باشد. در حال حاضر کشور ما با اختلاس در نظام اداری و مالی خود مواجه است که در تمامی بخش‌ها نیز گسترش شده است. در ایران نیز فساد مالی و اقتصادی در تمامی اشکال آن از جمله رشوه‌خواری، اختلاس، احتکار، اخاذی، قاچاق، آشنا (پارتی) بازی و گروه‌بازی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. امروزه مفاسد مالی و اقتصادی در اعماق وجود اکثر سازمان‌ها، نهادها، بنيادها، ادارات، وزارت‌خانه‌ها، شرکت‌ها، بانک‌ها، مؤسسات خیریه و امور عام المنفعه و تعاونی‌ها ریشه دوانده است. مباحثی مانند اختلاس و حیف و میل اموال عمومی و بیت‌المال، غارت ثروت‌های ملی و جا به جا کردن آنها، رواج رشوه‌خواری و پارتی‌بازی، سلطه قاچاق سازمان یافته بر سرنوشت اقتصاد کشور، انبوی خریدهای خارجی توسط سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به جای استفاده از امکانات داخلی، با انگیزه گرفتن پورسانت‌های کلان، واگذاری‌های مشکوک، ایجاد شرکت‌های خصوصی توسط مدیران دولتی و سرازیر کردن امکانات و وجوده دولتی به این شرکت‌ها، سفرهای خارجی بی‌ثمر و پرهزینه، دادن مجوزها به آشنازیان و زندگی‌های تجملی-برخی مسؤولان، به بحثهای عادی مردم تبدیل شده است.

زمینه‌های اجتماعی فساد: بروز و گسترش مفاسد مالی در هر جامعه مستلزم فراهم بودن برخی زمینه‌های اجتماعی است و هرگونه ریشه‌یابی علل آن، بدون در نظر گرفتن بسترها اجتماعی که فساد در آنها رخ می‌دهد، گمراه کننده است. به عنوان مثال اگرچه فقر یکی از عوامل مؤثر بر بروز فساد است، اما در هر جامعه در هر شرایطی فقر باعث بروز فساد نمی‌شود. اما در صورت وجود نابرابری در جامعه حتی وقتی که وضع همه اقشار رو به بهبود است، زمانی که افراد خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت نسبی به آنها دست می‌دهد که نقش مهمی در بروز فساد بویژه در ثروتمندان دارد.

بروز رانت خواری، انحصار طلبی و در پی آن مفاسد مالی و اقتصادی بویژه در سطح مدیران و افراد قدرتمند جامعه، یکی از جدی‌ترین مضلات کنونی کشور می‌باشد که عده‌ای از افراد از طریق آن به ثروت‌های کلان و درآمدهای بادآوردهای دست یافته‌اند. یک ساختار ناسالم اقتصادی مبنی بر رانت به بعضی از افراد سودجو و فرصت‌طلب این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری از روابط خاص و سوء استفاده از قدرت و موقعیت خود و وابستگان صاحب نفوذشان به بهره‌برداری از امکانات و امتیازات اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و رفاهی جامعه پردازند. به جرأت می‌توان ادعا نمود که تمامی انواع ممکن این رانت در کشور ما رواج و به تبع آن انواع

روش‌های رانت‌جویی و گروه‌های مختلفی از رانت‌خواران در جامعه وجود دارد. البته در بسیاری از موارد نیز رانتهای سیاسی و اجتماعی با رانتهای اقتصادی، علت و معلول یکدیگرند.

تحلیل عاملی اکتشافی: در تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل تأثیرگذار بر فساد مالی عبارتند از: ۱- قانون گریزی مدیران؛ ۲- عدم پاسخ‌گویی و نظارت ضعیف؛ ۳- ضعف سیستم ارزیابی عملکرد؛ ۴- بوروکراسی زائد بخش دولتی؛ و ۵- ناکارآمدی سیستم نگهداری. این عوامل در مجموع ۵۵/۶۷ درصد از تغییر پذیری در متغیر فساد مالی در میان کارکنان بخش دولتی ایران را تبیین می‌کنند که در نوع خود مدل مطلوبی در تبیین شکل گیری و گسترش پدیده‌ی فساد مالی در میان کارکنان دولتی محسوب می‌شود(رهنورد و همکاران، ۱۳۸۹).

نقش مسلط دولت در اقتصاد: بیشتر رانت‌ها در کشور، نتیجه نقش مسلط دولت در اقتصاد است که طی چند دهه گذشته نه تنها کسب درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت، توسعه کشور را به همراه نداشته است بلکه با توجه به نحوه هزینه کردن آنها، توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها در جامعه نیز میسر نگردید و با افزایش درآمدهای نفتی که مالکیت و اختیار هزینه کردن آن در دست دولت بود، دولت نقش فعال تری را در اقتصاد کشور ایفا نمود و با تزریق دلارهای بیشتر<sup>۱</sup> به تدریج دامنه فعالیت‌های اقتصادی خود را با در اختیار گرفتن بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی موجود و ایجاد شرکت‌ها و مؤسسات جدید، به اموری گسترش داد که ارتباطی به دولت نداشتند. در این روند دولت به جای ارائه کالاها و خدمات عمومی و بسترسازی برای رشد فعالیت‌های بخش خصوصی، تولید و ارائه بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه را رأساً در دست گرفت و به رقابت با بخش خصوصی و ایجاد موانع برای فعالیت‌های آن پرداخت و این بخش را هر چه بیشتر به سمت فعالیت‌های غیرمولد و تجاری سوق داد. با سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و اجرای سیاست‌های قیمتگذاری و سهمیه‌بندی توسط دولت، امکان انتقال بخش اعظم ثروت‌های جامعه به گروهی اندک فراهم شد و بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی کشور یا از طریق تعلق گرفتن

۱. بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد هر کشوری، ظرفیت جذب مقدار معینی پول ملی (نقدینگی) و پول خارجی (ارز) دارد و اگر نقدینگی و ارزهای خارجی بیش از ظرفیت، وارد اقتصاد داخلی شود، علاوه بر تورم، به فساد گسترده مالی می‌انجامد. در مورد کشورمان در دهه ۱۳۷۰ مطالعه‌ای انجام شده که در آن زمان این مقدار ارز را حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار برآورد نموده است و بررسی‌های جدیدی لازم است تا قدرت جذب فعلی ارز را در اقتصاد نشان دهد. به نظرمی رسد دلارهای انبوه نفتی (قریب به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال) در سالهای گذشته، احتمال فساد مالی را بسیار افزایش داده است.

سهمیه‌های ارزی و کالایی و برخورداری از تسهیلات بانکی و مجوزها و امتیازات ویژه به جیب رانت‌خواران سرازیر شده و یا به شکل هزینه‌های یک سیستم ناکارآمد دولتی در حال اتلاف می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

با وجود توجه گسترده و تأسیس و گسترش نهادهای بسیار با مأموریت مبارزه با فسادمالی و تخصیص منابع و بودجه‌های کلان به این امر، شاهد شیوع روزافزون این عارضه تقریباً در تمامی تار و پود نظام اسلامی هستیم، ریشه‌ها و انگیزه‌های بسیاری دارد که می‌توان در شکل‌گیری و شیوع مفاسدمالی در کشور آنها را بر شمرد؛ اما همه این علل و عوامل را- اگرچه مهپوشانی دارند- در قالب علل عمدۀ حاکمیتی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان دسته بندی کرد که به صورت جزئی تر، اهم آنها که ابعاد فوق را پوشش می‌دهد، عبارتند از:

#### دلایل حاکمیتی

- تاریخ بلند استبداد که با فساد عجین بوده و نتیجه، آنکه دولت فاسد، ملت (رعیت) فاسد بار می‌آورد؛

- شکل‌گیری دولت رانتی با در اختیار گرفتن رانت آب در طول تاریخ و رانت نفت بویژه پس از ملی شدن صنعت نفت؛

- دولت بزرگ، قدرتمند، احصارگر و دخالتگر که برخی تولید و مصرف کنندگان می‌کوشند به حکومت نزدیک شده و از موقعیت و امتیازات دولتی سوءاستفاده کنند؛

- دولت نفوذ‌های ناهمگن و اختلاف بین مسؤولان و شخصیت‌های سیاسی- اجتماعی و نداشتن تابع هدف واحد؛

- حضور نظامیان و شبه نظامیان به عنوان اقتدار پیشتاز، در همه عرصه‌ها از جمله اقتصاد؛ با نظارت ضعیف؛

- ساختار معیوب پیکره دولت و حاکمیت و نیز شفاف نبودن سیاست‌ها و فعالیت‌ها و پاسخگو نبودن دولت؛

- نظام اداری ناکارآمد فسادآلود که می‌خواهد با فساد مبارزه و توسعه ایجاد کند!

#### دلایل حقوقی (قضایی و قانونی)

- نظام مبتنی بر صدور مجوز برای فعالیت‌های رانتی توسط ارگان‌های ذی‌ربط به افراد خاص؛

- تحریم‌ها بویژه نفتی و دور زدن آنها که به دلیل عدم شفافیت، پتانسیل زیادی برای فساد داشته است؛<sup>۱</sup>
- انجام برخی معاملات دولتی در شرایط غیررقابتی و بدون برگزاری مناقصه، حراج، مزایده رسمی و واگذاری غیرشفاف؛
- دستیابی زود هنگام برخی اشخاص به اطلاعات مالی و اقتصادی مربوط به شرکت‌ها و یا سیاست‌های اتخاذ شده دولت؛
- ضعف قوانین، مقررات و مصوبات پرشمار و بدون اثربخشی؛
- ضعف کنترل‌های بیرونی و ناکارآمدی نهادهای نظارت و بازرگانی عربیض و طویل و سیستم حسابرسی نارسا و طولانی شدن فرایند پیگیری<sup>۲</sup> و رها شدن برخی از آنها پس از گذشت زمان؛
- نارسایی در نظارت عمومی و شراکت برخی نمایندگان مردم در رانت‌های قانونی؛<sup>۳</sup>
- مصادرها و ملی شدن‌های بعض‌بی رویه و واگذاری‌های شتابزده در چارچوب اصل ۴۴؛

#### ۱۱. دلایل فرهنگی

- تغییر ارزش‌ها، افزایش نیازها و فردگرایی افراطی و رفاه زدگی اقشاری از مردم؛
- ضعف باورهای مذهبی و کنترل‌های درونی که به رغم اهداف، پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترده‌تر شده؛
- تضعیف مراجع اجتماعی بویژه مراجع تقليد که بعض‌با خود نیز عامل آن بودند که با قدرت درآمیختند؛ مراجعی که از محورهای هویت جمعی و منبع الهام و هنجرهای بودند؛

۱. یکی از شیوه‌هایی که در دولت نهم و دهم سبب فساد و رانت شد، شیوه‌های تهاتری بود که به دلیل شرایط تحریم‌ها بر اقتصاد کشور تحمیل شد. وقتی افراد خود را از قوانین بالاتر می‌بینند، به راحتی قوانین را دور می‌زنند و هیچ ارزشی برای اجرایی کردن قوانین قائل نیستند که در آن صورت، باید منتظر باشیم تا رانت و فساد بروز کند (تاجگردن، ۱۳۹۲). بخش اعظمی از فسدان مالی در فرایند دور زدن تحریم‌ها دچار فساد شده‌اند.

۲. زمان بررسی پرونده‌های فساد مالی، ۲ تا ۳ و گاه تا ۵ سال به طول می‌انجامد؛ که سبب می‌شود که هم جامعه حساسیت خود را نسبت به آن از دست بدهد و موضوع کم فراموش شود و هم با توجه به شرایط اقتصادی کشور، بعد از گذشت مدت زمانی از آن و بروز فسادهای دیگر و احیاناً بزرگتر، دیگر ابعاد آن ضریبه اقتصادی به کشور، چندان بزرگ به نظر نیاید.

۳. در بعد نظارت، از آنجایی که نهادهای نظارتی، خود از این رانت استفاده می‌کنند، چندان نمی‌توان امیدوار بود که عزم جدی برای مقابله با پدیده رانت قانونی در کشور وجود داشته باشد. امروزه شاهد هستیم تمام بخش‌ها و نهادها از حمله نهادهای نظارتی، تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از این رانت قانونی را به خود اختصاص دهند و طبیعتاً ناظران هم نمی‌توانند به طور که شایسته به وظایف خود عمل کند (عزتی، ۱۳۹۲).

- نگاه فقهی صرف به اقتصاد بدون رعایت عدالت و اخلاق مانند تعیین نرخ بهره بسیار پایین تر از نرخ تورم؛
- ملاک شدن تعهد و تخصص که برای تعهد، معیار ارزیابی بیرونی وجود ندارد و فاسدان دو رو  
مجال می‌باشد؛<sup>۱</sup>
- انتصاب مدیران با ملاحظات ایدئولوژیک، سببی و نسبی و آشنا بازی؛<sup>۲</sup>  
دلایل اجتماعی
- از بین رفتن هویت‌های قبیله‌ای و عدم جایگزینی «ملت» به جای آن و در نتیجه، تضعیف همبستگی و هنجارهای عمومی؛
- مطبوعات، جنبش دانشجویی، سازمان‌های مردم نهاد و جامعه مدنی ضعیف؛
- کاهش سطح سرمایه اجتماعی تعمیم یافته (افول اعتماد عمومی)؛  
دلایل اقتصادی
- فقدان بازار مدیران و چرخش آنان بر اساس شایستگی (تخصص، تجربه و توانایی) و در چارچوب رقابت سالم؛
- فقر، نابرابری، تبعیض، تورم و بیکاری گسترده و مزمن و نامناسب بودن امنیت شغلی؛
- دو نرخی بودن برخی کالاها و خدمات بویژه تفاوت نرخ اعتبارات بانکی و نرخ بهره پول و نرخ ارز؛
- پایین بودن سطح حقوق و دستمزدها در بخش دولتی، باعث کاهش ریسک و هزینه فساد (مثالاً اخراج)؛
- به هم ریختن استانداردها و نهادهای مرتبط مهم مانند سازمان برنامه، قانون برنامه چهارم و سند چشم انداز؛  
نتیجه
- تولید انبوه فساد ساختاری و سیتماتیک (با استفاده از: ربیعی، ۱۳۸۳ و صادقی و همکاران، ۱۳۸۹)؛

- 
۱. در دو ملاک ذکر شده، تمهد در اولویت قرار گرفت و بیشتر افرادی که امروزه به عنوان فاسدان مالی از آنها یاد می‌شود، ظاهراً در زمرة متهمدان بودند.
  ۲. نیروهایی که با رابطه و نه خابطه و طی کردن سلسله مراتب و تنها به دلیل ارتباطهایی که با ساخت قدرت دارند، در پست‌های کلیدی منصوب می‌شوند، از مصادیق زمینه‌ساز فساد می‌باشد. به طور مثال ابتدا باید به یک مدیر اجازه داد تا اجازه امضای ۱۰۰ میلیون تومانی و بعد به وی اختیار امضای مقداری بالاتر تا صدها میلیارد تومان داده شود و در واقع، این افراد به صورت آسانسوری در ساخت قدرت جا به جا می‌شوند (تاجگردون، ۱۳۹۲).

## ۱۲. فساد مالی از دیدگاه اسلام

یکی از مبانی در آموزه های اسلامی مبارزه با پدیده رشوه است. در اسلام رشوه دهنده و رشوه گیرنده به شدت محکوم شده و امکاناتی که از این راه تحصیل می شود، ناروا و از نظر شرعی حرام است. رشوه خواری سبب می شود قوانینی - که قاعداً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد - به سود طبقات نیزمند - که باید قانون آنها را محدود کند - به کار بیفت؛ زیرا قادرتمدان، قادرند از منافع خویش دفاع کنند، و می باید حقوق ضعفا در پناه قانون حفظ شود. اگر باب رشوه گشوده شود، قوانین نتیجه معکوس خواهد داد، زیرا اقویا که قدرت پرداخت رشوه دارند، قوانین را به خدمت خود درمی آورند و به همین جهت، در اسلام رشوه خواری با شدت هر چه تمامتر محکوم و از گناهان کبیره محسوب می شود.

در نهج البلاغه در ماجراهی هدیه آوردن "اشعش بن قیس" آمده که او برای غلبه بر طرف دعوای خود در محکمه علی (ع) متولی به رشوه شد و ظرفی پر از حلوا را شبانه به در خانه علی (ع) آورد و نام آن را هدیه گذاشت. علی (ع) بر آشافت و فرمود: «سوگواران بر عزایت اشک بریزند، آمدهای مرا فریب دهی و از اعمال حق باز داری؟ ... به خدا سوگند اگر هفت افلیم را با آنچه در زیر آسمان های آنها است به من دهنند که پوست جوی را از دهان مورچه‌ای به ظلم بگیرم، هرگز نخواهم کرد، دنیای شما از برگ جویده‌ای در دهان ملخ برای من کم ارزش تر است؛ علی را با نعمتهای فانی و لذت‌های زودگذر چه کار؟»<sup>۱</sup>.

اسلام رشوه را در هر شکلی محکوم کرده است. در تاریخ زندگی پیامبر (ص) آمده که: به او خبر دادند یکی از فرمانداران رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفت، حضرت بر آشافت و به او فرمود چرا آنچه حق تو نیست می گیری؟<sup>۲</sup> او در پاسخ گفت آنچه گرفتم هدیه بود ای پیامبر.<sup>۳</sup> پیامبر (ص) فرمود اگر شما در خانه بنشینی و از طرف من فرماندار محلی نباشی، آیا مردم به شما هدیه می دهند؟<sup>۴</sup> سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد.<sup>۵</sup>

۱. هبلتک الہبیل اعن دین اللہ اتیتنی لتخدعنی؟ ... و اللہ لو اعطيت الاقالیم السبعہ بما تحت افلاکها على ان اعصی اللہ فی نملة اسلبها جلب شعیرة ما فعلته و ان دنیاکم عندي لاھون من ورقہ فی فم جرادة تقضمها ما لعلی و لتعیم یفنی و لذة لاتبقى (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

۲. كيف تأخذ ما ليس لك بحق؟

۳. لقد كانت هدية يا رسول الله

۴.رأیت لو قعد احدكم في داره ولم نوله عملاً كان الناس يهدونه شيئاً؟

۵.الامام علی (ع)، ج. اول، ص. ۱۵۵.

در حدیثی از رسول خدا نقل شده که خداوند گیرنده و دهنده رشوه و واسطه آن را از رحمت خود دور گرداند<sup>۱</sup>. و امام صادق (ع) درباره آن فرموده: رشوه در قضاؤت، کفر به خداوند بزرگ است<sup>۲</sup>. در اسلام حتی برای اینکه قاضی، سوسسه رشوه نشود، قاضی نباید شخصاً به بازار برود، مباداً تخفیف قیمت‌ها ناخودآگاه روی قاضی تأثیر گذارد و در قضاؤت جانبداری کند.

در آیات قرآن، فساد در مقابل اصلاح آمده است. در این چهارچوب، مفاسد مالی اعمالی هستند که بر خلاف آموزه‌های دینی بوده، در حوزه اقتصاد، مانع تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی اند. اصلی ترین علت بروز و شیوع مفاسد مالی در جامعه، به کار نبستن دستورات الهی و به حاشیه راندن دین است. چنانچه در قرآن می‌خوانیم: و شما مسلمانان اگر آنچه را که خداوند دستور داده به کار نبندید، فتنه و فساد بزرگ، زمین را فرا خواهد گرفت (انفال (۸): ۷۳).

به طور خلاصه، اهم علل شکل گیری، بروز و شیوع مفاسد مالی را از نظر اسلام می‌توان چنین بیان کرد:

- هوای نفس (مؤمنون (۲۳): ۷۱) و عدم رعایت اوامر الهی (بقره (۲): ۲۷); بی توجهی به معاد (یونس (۱۰): ۴۰);
- کفران نعمت (المدثر (۷۴): ۱۵) و عدم رعایت حقوق دیگران (هود (۱۱): ۸۵)
- ضعف تدبیر مدیران (یوسف (۱۲): ۷۳) و حکومت ظالم (نمیل (۳۴): ۲۷)
- نبود فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (هود (۱۱): ۱۱۶)
- ترس از به خطر افتادن موقعیت و قدرت حاکمان خاطی و ناصلاح (غافر (۴۰): ۲۶) (با استفاده از: [hawzah.net](http://hawzah.net)).

### ۱۳. پیامدهای فساد مالی از نظر اسلام

اهم آثار و پیامدهای فساد مالی و گسترش مفاسد مالی در جامعه از نظر اسلام به صورت فهرست وار:

- تخریب عمران و آبادانی کشور و از بین رفتن نظم عمومی (بقره (۲): ۵؛ اعراف (۷): ۵۶)
- در امان نبودن مردم درست کردار و جامعه (کهف (۱۸): ۹۴)
- نداشتن آسایش در دنیا و آخرت (عنکبوت (۲۹): ۳۶)

۱. لعن الله الراشي والمرتشي والماشي بينهما (بحار الانوار، جلد ۱۰۱).

۲. و اما الرشا في الحكم فهو الكفر بالله العظيم (وسائل الشيعة، جلد ۱۲).

- رواج تبعیض طبقاتی (بقره (۲): ۳۰؛ و فقر (بقره (۲): ۲۲۰)؛ و پایمال کردن حقوق ضعفا (مائده (۵): ۶۴)؛

اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتوانه حکومت دینی است، از بین می رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه های اعتماد در هم می ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می شود. اسلام، از طرفی، با بیان عاقبت پیشینیان فاسد، مردم و حکومت های اسلامی را بارها به درس گرفتن از عقوبات آنها سفارش می کند. گاهی این اعمال، حرام معرفی، و گاهی گناهی بزرگ یاد و مرتکبان مورد لعن خداوند قرار گرفته اند و حتی اعمال فاسد در حد کفر تلقی شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶ و نامه ۵۳؛ بحار، ج ۲۳: ۱۰ و ۱۴؛ وسائل، ج ۱۲).

نتیجه اینکه مصاديق فساد مالی در آیات و روایات به شکل های گوناگونی بیان شده اند و همگی آنها بر گناه بودن چنین اعمالی تأکید دارند. نگرش اسلامی، همگی بر حرمت فعالیت های فساد آlod تأکید دارند (hawzah.net).

#### ۱۴. راه حل های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام

تقوا و خودکنترلی: اسلام بر دو نوع از عوامل اساسی در امر مبارزه با معضل فساد مالی تأکید دارد: عوامل درونی و عوامل بیرونی. عوامل باز دارنده درونی (خودکنترلی) در نهاد فرد قرار دارد و بر روی انگیزه ها و رفتارهای او تأثیر می گذارد. خودکنترلی، به معنای نظرارت و مواظبت فرد بر اعمال و رفتار خویش، و در نتیجه انجام وظایف بهنحو مطلوب و پرهیز از انحراف و تحالف است (غره الحكم، حدیث ۲۴۲۹). در ادبیات قرآنی، خودکنترلی با «تقوا» پیوندی ناگستثنی دارد. به تعبیر دیگر، نیروی کنترل درونی است که انسان را حفظ می کند (مکارمشیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱).

اما بیان چنین احساس مسؤولیتی، دو عامل است: ۱. یاد خدا؛ یعنی توجه به حضور و مراقبت دائمی خداوند در همه جا و همه حال؛ قرآن می فرماید: «آیا نمی دانید خداوند اعمال شما را می بیند؟». ۲. توجه به معاد. توجه به این دو اصل، سرلوحة برنامه های تربیتی و تأثیر آن در پاکسازی فرد و اجتماع، کاملاً چشمگیر است (همان، ج ۲۳).

این اعتقاد اگر ریشه بگیرد می تواند باعث تغییر بنیادی در بینش و منش افراد شود و زهد و قناعت پرهیز از دنیازدگی، بر حذر بودن از تمرکز ثروت و بسیاری از مصاديق فساد مالی را در پی داشته باشد.

۱. أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق، ۱۴).

نقوا دارای شاخه‌های گوناگون از جمله نقوای مالی و اقتصادی، و در اینجا نقوای کاری موردنظر است، که معادل خویشن‌داری است؛ یعنی کنترل خویش هنگام انجام کار، و پرهیز از روابط سوء اجتماعی با دیگران. امام علی(ع) کارگزاران خود را به طور ویژه به رعایت تقوا سفارش می‌کند، که کارگزار موظف به خودکنترلی در همه کارها، بویژه در امر حکومت و مدیریت است؛ اگرچه این سفارش‌ها، در شکلی دیگر، همه افراد و عرصه‌ها را فرا می‌گیرد.

با مراجعه به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که بالاترین شکل پاسخ‌گویی‌ای است که از درون افراد ناشی می‌شود، نه از بیرون و جامعه. برای رسیدن به این نوع از پاسخ‌گویی درونی، باید جهان‌بینی افراد را توسعه داد؛ تا جایی که از مرز زندگی این‌دینایی بگذرد و زندگی اخروی و جاودانی را نیز شامل شود. آموزه‌های اسلامی، راهنمای انسانها در تمامی ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیستمحیطی... است و در تغییب انسانها به انجام کارهای پسندیده و روی گردانی از کارهای ناپسند بسیار قوی‌تر و نیرومندتر از هر جهان‌بینی غیردینی می‌باشد.

در میان باورها، ایمان به معاد، عاملی بسیار قوی در پایبندی به ارزش‌ها، و در نتیجه خودکنترلی است. اعتقاد به معاد، مسؤولیت‌آفرین است؛ تقوا را پرورش می‌دهد و از آلوده شدن آنها به معصیت جلوگیری می‌کند (خدمتی و همکاران، ۱۳۸۱).

حضرت علی (ع) در مورد توجه به معاد می‌فرماید: «یاد مرگ از دل های شما رفته و آرزوهای فربینده جای آن را گرفته است ... شما را چه شده است که با به دست آوردن متعاعی اندک از دنیا شادمان می‌شوید و از متعاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید، اندوهگین نمی‌شوید»<sup>۱</sup>. البته دین فقط به عوامل درونی بسند نکرده و برای آنها بیکی که به ندای درونی خود توجهی ندارند، اهرم‌ها و ضمانت‌های کنترل بیرونی را قرار داده است.

وجود مراجع نظارتی قوی و دقیق: مهم ترین اصل در کاهش مفاسد مالی که از عوامل بیرونی به شمار می‌رود وجود مراجع نظارتی قوی در جامعه است. در جوامع اسلامی علاوه بر نظارت خداوند، مراجع نظارتی دیگر وجود دارد:

(الف) نظارت حکومت: که فقط نظارت مستقیم نیست؛ بلکه نظارت بر تمام ارکان جامعه را به طور غیر مستقیم شامل می‌شود. کنترل و نظارت که یکی از وظایف اصلی حکومت و از ارکان

۱. قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْأَجَالِ وَ حَضَرَتُكُمْ كَوَافِذُ الْأَمَالِ فَصَارَتِ الدُّنْيَا أَمْلَكَ بِكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَ الْأَجَلُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْأَجَلِ ... مَا بِالْكُمْ تَفَرَّخُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُدْرِكُونَهُ وَ لَا يَحْرُثُكُمُ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تُخْرُمُونَهُ (خطبه ۱۱۲).

اصلی مدیریت سالم و کارآمد به شمار می رود، حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: بدکار را به پاداش نیکوکار رنجه دار (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۸).

ب) نظارت همگانی: مردم، بهترین ناظر در جهت انجام درست امور هستند. کلیه افراد جامعه یا سازمان ها موظفند بر اساس وظیفه بر عملکرد دیگر اعضا و مدیران و نظارت داشته باشند؛ که همان امر به معروف و نهی از منکر است. تنبیه و تشویق نیز اهمیت دارد که باعث دلگرمی افراد صالح و کارآمد می شود و از طرفی، ترس و نگرانی فاسدان را در پی خواهد داشت.

امر به معروف را به منزله یک نظارت اجتماعی، می توان چهار گونه دسته‌بندی کرد: نظارت مسؤولان بر مردم (از طریق اعمال قوانین و مقررات)، نظارت مردم بر مسؤولان (از طریق رسانه‌ها)، نظارت مردم بر مردم و نظارت مسؤولان بر مسؤولان.

در انجام وظیفه امر به معروف نسبت به مسؤولان، در نظام اسلامی، مردم دو وظیفه اساسی دارند: یکی مشورت دادن به مسؤولان است: «وَ شَاوِرُهُمْ فِي الْأُمْرِ» و «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»؛ نقش دوم در امور حکومتی نسبت به مسؤولان، مراقبت و پاسداری از اجرای قوانین است. مردم موظفاند که هرجا خللی در اجرای قانون ببینند، تذکر دهند و اگر مغاید واقع نشد، اعتراض کنند. این وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند در قرآن صریحاً به آن امر می کند (آل عمران: ۱۰۴).

اقدامات عملی و برنامه اصلاح: از جمله این اقدام ها: عزم بر استرداد اموال غارت شده از بیت المال، برنامه جدی برای اجرای عدالت در اجرای قوانین (مساوات در برابر قانون) و بهره برداری مساوی از بیت المال، الغای امتیازات نابه جا، مبارزه با بدعت ها و تحریف ها و انحراف ها، اتخاذ تدابیر حکیمانه برای امت.

برکناری و عزل کارگزاران: به کارگیری کارگزاران با کفایت از ضروریات در آموزه های اسلامی است. امام(ع) نیز تأکید کرده اند که: همانا بدترین همکاران تو، آنانی هستند که برای اشرار قبل از تو، وزیر بوده اند و در گناهان با آنان همکاری داشته اند.<sup>۱</sup> نشانه انحطاط دولت، افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن، افراد بافضیلت را کنار زدن و ... (الحیاء، ج ۱).

مجازات مفسدان مالی: اسلام درباره مجازات مفسدان مالی، حد معینی قرار نداده و آن را جزو تعزیرات دانسته و بنا به تشخیص زمامدار است. حاکم می تواند مجازات های سختی را وضع کند. علی (ع) نیز پس از نظارت های گوناگون، خطاکار را به شدیدترین مجازات می رساند و در این زمینه به صراحة تأکید می کرد که با مفسدان مالی برخورد قاطع و صریح داشته باشند

۱. إِنَّ شَرَّ وَزَارَكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيرًا (نامه ۵۳).

- (نهج البلاغه: نامه ۵۳ و ۷۰؛ خطبه ۴۴ و حکمت ۴۷۶) که باعث عبرت شود. راه‌های مبارزه با شیوه مفاسد مالی از نظر اسلام، علاوه بر موارد فوق:
- تحکیم مبانی اعتقادی و ارزش‌های دینی؛
  - لزوم پاسخگویی به مردم از سوی مسؤولان؛
  - تلاش دولت در جهت تأمین رفاه و امنیت و تحکیم موقعیت کارگزاران؛
  - لزوم ساده‌زیستی کارگزاران حکومتی جلوگیری از تمرکز ثروت (تعدیل ثروت) (با استفاده از: .(hawzah.net

حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرمایند: و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، او را کیفر کن و اموالی که در اختیار دارد از او باز پس گیر و او را خوار و خیانتکار شمار و طبق بدنامی به گردنش افکن.<sup>۱</sup>

و در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر فرموده:<sup>۲</sup> هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکار ساز و از بدگمانی نجاتشان ده که ریاضت خودسازی تو و مهربانی نسبت به رعیت است و این پوزش تو آنان را به حق وا می‌دارد.

در میان حکومت‌ها، تاکنون حکومتی، مانند حکومت علی(ع) در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده که از نامه‌ها و خطبه‌ها به والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی، توجه به تقوا و آخرت مشاهده می‌شود.

علی(ع) هیچگاه در انتصاب‌ها آشنای را مدنظر قرار نمی‌داد و رضای خدا و مصلحت خلق را در نظر می‌گرفت. در اندیشه حضرت، هیچ خطری برای جامعه اسلامی بیش از بر سر کار آمدن افراد کم‌صلاحیت نبود و هنگام گماردن مالک به حکومت مصر، در نامه‌ای به مصریان چنین هشدار داد: من بیم دارم که نابخردان و نابکاران، زمام امور را به دست گیرند و مال خدا را دست به دست و بندگان او را بردگان خود و با صالحان به دشمنی برخیزند و با فاسقان دوستی کنند (نهج البلاغه، ص ۱۰۵۰).

مبارزه با انحصار‌گرایی‌ها و انحصار‌طلبی‌ها: به فرموده امام علی(ع): «هر کس به فرمان روایی رسد، انحصار‌طلبی پیشه کند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۰). اما علی(ع) در بیت

۱. وَ تَحْقِّنُ مِنَ الْأَشْوَانِ حَقْنٌ أَخْدَمْنَاهُ سَطَّ بَدَةً إِلَيْيَهُ بَيْانَهُ أَجْتَمَعَتْ يَهَا أَخْبَارُ عَوْنَكَ الْكَفِيلَتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا - فَسَيَطَّتْ عَلَيْهِ الْعَقْوَبَةُ فِي بَدَتِهِ وَ أَخْذَتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ - فَمَنْ تَصَبَّهَ بِمَقَامِ الْمَدَالِهِ فَوَسِمَتْهُ بِالْخَيَانَهِ وَ قَلَّدَتْهُ غَارَ التَّهْمَهَ (نامه ۵۳).

۲. وَ إِنْ ظَنَّ الرَّعْيَهُ بَكَ حَيْنًا فَأَصْحَرَ لَهُمْ بِعَذَرَكَ وَ اغْدَلَ عَنْكَ طَلُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ فَإِنَّ فِي تِلْكَ رِيَاضَهُ مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَ رُفْقًا مِنْكَ بِرِعَيَتِكَ وَ إِغْدَارًا تَبَلُّغُ فِيهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَعْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ (نامه ۵۳).

مال چیزی باقی نمی‌گذاشت (و همه را میان مردم تقسیم می‌کرد)، مگر آنچه را که در آن روز نمی‌توانست تقسیم کند؛ و می‌فرمود: «ای دنیا! دیگری را بفریب»؛ و هیچ چیزی از فیء را به انحصار خود درنمی‌آورد و چیزی را به خویشاوندان و نزدیکانش اختصاص نمی‌داد (قرطبی، ۱۴۱۵، ج. ۳).

در توجه در گماردن افراد حضرت می‌فرماید: «اطرافیان خود را از نیکان برگزین و کسانی که امتیازخواه و مت加وز و فاقد انصافاند، از خود دور گردان و به احدی از کسان خود اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند» (دعائیم الاسلام، ج. ۱).

عدم تبعیض در برخورد با فساد: رسول خدا(ص) در مقابل تلاش عده‌ای برای جلوگیری از قطع دست زنی از اشراف که مرتکب سرقت شده بود، فرمود: «آنانکه پیش از شما بودند، تنها به سبب چنین تبعیض‌هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر ناتوانان اجرا می‌کردند و قدرتمندان را رها می‌ساختند. بنی اسرائیل به این سبب هلاک شدند که حدود را بر فرودستان اجرا و بزرگان را معاف می‌کردند» (دلشد تهرانی، ۱۳۷۲). «به آن کس که جان محمد در دست اوست سوگند که اگر دخترم فاطمه نیز چنین کرده بود، دست او را قطع می‌کردم» (همان).

راهکارهای مربوط به نظام اداری سالم و کارآمد شایسته‌سالاری و پرداخت حقوق مکفی: استخدام ها باید بر اساس دو معیار شایستگی و درستکاری باشد؛ آن گونه که در قرآن کریم آمده است: «قالت يا أبٰتِ اسْتَأْجِرَهُ ان خير من استأجرت القوى الامين»؛ از زبان دختران شعیب خطاب به پدر در استخدام شبان به حضرت موسی می‌گوید: «او را به خدمت بگیر؛ زیرا قوی (شایسته) و درستکار است» (قصص: ۲۶).

پرداختی مستخدمان دولتی نیز باید مکفی باشد تا کمتر در معرض وسوسه قرار بگیرند (رضائیان، ۱۳۸۵). از این رو، فقر در دین همسایه کفرمعرفی شده است؛ نبی اکرم(ص) می‌فرماید: «کاد الفقران یکون کفراً» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج. ۸).

علی (ع) تأمین زندگی کارکنان را از وظایف سازمان می‌داند و به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمْ الْأَرْزَاقَ؛ فَإِنْ ذَلِكَ قُوتُ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ غَنِيٌّ لَهُمْ عَنْ تَنَاهُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، وَ حَجَّهُ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ ثَلَمُوا امْأَنْتَكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (با استفاده از: حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

گزارش مأوفع به مردم و بیان نیازها بدون لکنت: معادل امروزی این گزارش‌ها، شفافیت می‌باشد که عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی که به عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری، به کار می‌رود.

این مقوله مورد تأکید آموزه‌های دینی است. اسلام که حکومت را امانت می‌داند، نظارت بر چگونگی عملکردها و ضرورت پاسخ‌گویی را از مسلمات به شمار می‌آورد. به همین علت امام علی(ع) خطاب به مالکا، می‌فرماید: برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن، فارغ از هر کاری به آنان بپردازی. برای دیدار با ایشان به صورت عمومی عمل کن؛ مجلسی که همگان بتوانند به آن وارد شوند. و برای خدایی که آفریدگار توست، در برایرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران به یک سو شوند تا بی‌هراس و بی‌لکنت زبان، سخن بگویند؛ که من از رسول الله(ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتي که در آن، زیردست نتواند بدون لکت زبان، حق خود را از قوی دست بستاند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

افشاری خطاکاری‌ها: امروزه رسانه‌های آزاد خطاکاری‌ها و سوء عملکردها را افشا می‌کنند. چنان که قرآن کریم یادآوری می‌کند: «وَلَوْلَا دَفْعَ اللَّهُ النَّاسَ بِعْضَهُمْ بِعَضًى لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱). و نیز «وَلَوْلَا دَفْعَ اللَّهُ النَّاسَ بِعْضَهُمْ بِعَضًى لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعَ وَصْلَوَاتٍ وَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَبِيرًا...» (حج: ۴۰).

نظام تربیتی اخلاقی: در اسلام بر نظام آموزشی و تربیتی، بسیار سفارش شده که در آن بیشتر بر هدایت صحیح استعدادهای انسانی جهت خیر، صلاح، صداقت، یک رویی، وفای به عهد و گسترش اخلاق تأکید رفته است.

### ۱۲. راه حل های مدیریت (کنترل و کاهش) فساد مالی

علاوه بر موارد فوق که از آموزه های دینی بررسی شده در مقاله استخراج گردیده، موارد زیر نیز از یافته های مقاله برگرفته شده است (با نگاهی به: طبیبیان و حبیبی، ۱۳۷۴ ربیعی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳؛ خضری، ۱۳۸۱؛ راغفر، ۱۳۸۲ و مؤمنی، ۱۳۹۲ Yousif Khalifa، 2003). (hawzah.net : Khalifa, 2003).

اولویت سیاستکاری ها: در بحث های مبارزه با فساد، ابتدا می باید گلوبگاه ها و بخش پیشتاز تولید فساد را محور قرار داد و در موضوع تقدم توسعه سیاسی و یا اقتصادی، باید گفت کشور هایی که از منابع رانتی بی بهره اند، ابتدا لازم است توسعه اقتصادی اتفاق بیفتد و از ارزش افزوده تولید، بتوان مالیات دریافت کرد و مخارج دولت را از محل آن تأمین نمود. در این صورت، دولت و امدادار ملت، و در نتیجه مجبور به پاسخگویی خواهد بود و قدم اول توسعه سیاسی برداشته خواهد شد. اما در کشورهای دارای منابع رانتی و دولت های مقندر، ابتدا می باید مردم - به عنوان اولین گام توسعه سیاسی- قدرتمند شوند تا بتوانند درآمد منابع را در اختیار گیرند تا، انضباط دولت را تضمین نمایند. و گرنه، مشکلات همچنان تداوم می یابد.

اگر در کوتاه مدت فرایند فوق مقدور نباشد، می باید تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور، بسیار آهسته و به طرح های عمرانی صنعتی، بهداشتی و آموزشی با عمر طولانی - برای رعایت عدالت بین نسلی - تخصیص یابد و یا در جهتی هزینه شود که به حمایت از بنگاه های تولیدی و صادرات بیانجامد. گام بعدی، استقلال بانک مرکزی از دولت و بویژه در سیاست خلق پول به صورت دستوری - برای تأمین کسر بودجه دولت- است. در مراحل بعدی و در بلند مدت، ضروری است بودجه دولت از منابع نفتی مستقل گردد.

تشکیل نهادهای مستقل مبارزه با فساد: ایجاد نهادی مستقل برای پیگیری راهبردها و نظارت مستمر. بسیاری از کشورها نهادهای مستقلی ایجاد کرده اند که وابستگی به قوه مجریه و حتی پلیس ندارند. وجود استقلال برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص های مورد نیاز شده و به مرور زمان کارآیی در امر مبارزه با فساد افزایش می یابد و همچنین، جلوی اعمال نفوذ مسؤولان در تحقیقات را خواهد گرفت. بدون استقلال، مبارزه با فساد در رده های بالای دولت ناموفق خواهد بود.

نظارات های قانونی: هرگونه تدبیر نظارتی نیازمند اقدامات ذیل است: کادر اداری حرفه ای، کمیته های قومی، استقلال بودجه ای، توان قابل ملاحظه نظارت بوروکراتیک به داشتن نقش نهادی در تأیید انتصابات سیاسی:

ایجاد خطوط ارتباطی و حمایت از مخبران: کمک گرفتن از همکاران اداری خاطی، صاحبان کار و کسب و شهروندان در جهت دریافت گزارش از فساد، از طریق دایر کردن خطوط ارتباطی نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

قضات سالم مستقل: مبارزه با فساد نیازمند دستهای پاک است. با دستگاه قضایی ناسالم، مبارزه با فساد، توهمند است.

پاسخگویی و نظارت مدنی: نظارت جامعه مدنی به عنوان رابطی میان دولت و مردم نقش مهمی در تحدید فساد دارد.<sup>۴</sup> مؤلفه مؤثر در پاسخگویی سیاسی عبارتند از: رقابت سیاسی، تأمین اعتبار احزاب، شفافیت، قوانین و ابزارهای حقوقی.

اصلاحات اجتماعی به کمک افکار عمومی و رسانه و ارتقای فرهنگی: آغاز اصلاحات، اطلاعات جدیدی درباره هزینه و ریشه‌های فساد از طریق رسانه‌ها افشا کرده و فرهنگ عمومی را در مورد زیانهای ناشی از فساد- به عنوان یک ضد ارزش- و تقاضای تغییرات را ارتقا می‌دهد و ساختارها را در جهت تسهیل دیده بانی و حمایت جامعه مدنی مستحکم می‌کند.

طلب مساعدت از سازمان‌های مردم نهاد: سازمان‌های حمایتی مدنی، می‌توانند بخشی از وظیفه نظارت عمومی و مدنی را تحقق بخشنند. این گونه سازمان‌ها، دولت را در مقابل گروه‌های فشار و ذی نفعان فاسد که دارای قدرت هستند، مدد می‌رسانند. اتخاذ رویکردهای مشارکت جویانه به سمت سازمان‌های مردم نهاد توصیه می‌شود. برگزاری همایش و فرهنگ سازی: این گونه همایش‌ها، متشكل از بالاترین سطوح دولتی و جامعه مدنی نقش بسزایی در فرهنگ سازی و ایجاد عزم سیاسی در مبارزه با فساد دارد.

سیاست‌های اقتصادی: رقابتی کردن فرایند تهییه و توزیع کالا و خدمات بنگاه‌ها اعم از دولتی و خصوصی، دستمزد مناسب و تقویت انگیزه کاری، شفاف سازی فرایند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع و مقررات، دسترسی عمومی به اطلاعات لازم و کوچک سازی دولت نیز ضروری است.

مقابله پلیسی: پس از ایجاد بسترها مناسب و ایجاد نهادهای کنترل گر فساد، هیچ برنامه ضد فساد، بدون مقابله عملی و تنبیه مؤثر نخواهد بود. در مقابله پلیسی با فساد به نکاتی باید توجه کرد. مهار سرشاخه‌ها، اقدام به اصلاحات اداری و اتخاذ تدبیر مثبت به نفع کارمندان درستکار و در نهایت، اجتناب از برخورد های پلیسی و مدیریت و کنترل مفاسد.

- همکاری‌های بین‌المللی؛ به دلیل فراتر رفتن مساله فساد از مرزهای ملی، پس از گذر از تحریم‌ها، یکی از اولویت‌ها، همکاری و تبادل اطلاعات فرامی در این زمینه است.
- در جهت موفقیت فرایندهای فوق، موارد زیر نیز توصیه می‌شود:
- تنظیم راهبرد، شناخت و اولویت اشکال و ریشه‌های فساد به طور عام و نهادهای دولتی به طور خاص؛
  - بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های مبارزه و تعیین راهکارهای لازم؛ و اینکه فساد هیچگاه صفر نخواهد شد؛
  - مبارزه می‌باید به عنوان یک فرایند دراز مدت و متکی به خواست، اراده و عزم سیاسی دولت و جامعه مدنی تلقی شود؛
  - اگر مبارزه با فساد، به اولویت اصلی تمام مقامات کشور تبدیل نشود، مقابله، شکلی، مقطوعی و برای رفع تکلیف است؛
  - تا زمانی که نهادهایی فراتر از قانون و نظارت هستند، مبارزه با فساد، شعاری بیش نیست؛
  - هرگاه محیط امنی برای فساد ایجاد شود، هر گروه ممکن است گرفتار شود و نباید جناحی و تسویه حسابی برخورد شود؛
  - تا بودجه بر اساس نیازهای اصلی (کنترل تورم و بیکاری) تدوین نگردد، تغییر چندانی در این زمینه ایجاد نخواهد شد؛
  - کاهش تصدی‌ها و دخالت گسترده دولت در اقتصاد و تبدیل دولت رانتی به دولت مقتدر نظارتگر بر فعالیت‌های اقتصادی؛
  - خصوصی سازی واقعی، اجتناب اکید از خصوصی سازی شرکت‌های دولتی و انتقال به مؤسسات عمومی و حاکمیتی<sup>۱</sup>؛
  - هرگونه برخورد با فساد بدون حرکت ریشه‌ای اقتصادی ناممکن؛ مانند مثلاً مقررات زدایی، در بخش‌های دولتی<sup>۲</sup>؛

- 
۱. چرا که شرکت‌های دولتی تا حدودی زیر نظارت و حسابرسی قرار دارند ولی موسسات حاکمیتی و غیر دولتی) بعض‌آن اندازه هم پاسخگو نیستند.
  ۲. بویژه اصلاح فرایندها و فعالیت‌هایی که متناسب اختیارات، از جمله صدور مجوزها، محدودیت‌های مقداری (سهمهیه‌ها)، کنترل قیمت‌ها، اعطای قراردادهای دولتی، دادن یارانه‌ها، اعطای تسهیلات و اعتبارات ارزان، معافیت‌های مالیاتی و ... هستند.

- درس گرفتن از تجربه ۲۵ ساله کشور و اصلاح بنیادی جهت‌گیری‌های تعدیل ساختاری و توزیع رانت و کنترل رویه‌های افراطی انبساط مالی، آزادسازی واردات و دستکاری قیمت‌های کلیدی؛
- رسیدگی به بهره‌وری در اقتصاد ملی و واگرایی میان بنیه تولید اقتصاد ملی و تمایلات مصرفی و جلوگیری از برداشت‌های بی رویه از صندوق توسعه ملی برای تخصیص به کالاهای مصرفی؛
- عدم تسامح در مبارزه با مفاسد، بویژه در زمانی که این مفسدان بر سر کار می‌باشند
- با ارتباطات فامیلی و پیچیدگی‌های زاید اداری - که نوعی همدستی با مفسدان است؛
- حذف تشکیلات موازی و بویژه تجارت موازی و منع دخالت مدیریت‌های دولتی در تجارت (از مهمترین عوامل اختلاف)؛
- امروزه سلامت نخبگان در برابر فساد یک عامل کلیدی است که مردم‌سالاری‌های صوری را از واقعی تفکیک می‌کند. نباید تصور شود سیاستمداران، صادق اند. کنترل رانت‌های کلان در سطوح عالی‌رتبه، کنترل فساد خرد را امکان‌پذیر می‌سازد.
- در نهایت، هیچ برنامه‌ای قبل از طرح ملی مبارزه با فساد، به صورت جدی و نه صوری موفق نخواهد بود. مبارزه، کاری گروهی است و راهبردهای ویژه مبارزه، در صورتی کامیاب خواهد بود که جامع، قاعده‌مند، سازمان یافته و با مشارکت همه نهادها اجرا شود. فساد مالی، از عوامل گوناگونی ناشی است و یک سیاست خاص فقط آن را تضعیف و حتی گاهی تشدید می‌کند. برای ریشه کنی آن، برنامه‌های جانبه نیاز است که همگان به رعایت و انجام آن ملزم باشند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ابتدای دولت نهم، رئیس دیوان محاسبات (نهاد نظارتی) بیان کرد که این دولت پاک ترین دولت در تاریخ جمهوری اسلامی است و نیازی به نظارت ندارد<sup>۱</sup> اما در عمل، همگان شاهد بودند که با توجه به ساختار و نیز- اصطلاحاً- چک سفیدی که نهاد نظارتی در اختیار دولت قرار داد، وضعیت چگونه شد تا جایی که صحبت از ناپدید شدن ۱۵۰ میلیارد دلار نفتی در ۸ سال (دو دولت) گذشته است<sup>۲</sup>؛ چنانچه برخی نمایندگان مجلس میل وافری به ادغام در دولت

۱. اگر نهادهای نظارتی، کار خود را به موقع انجام می‌دادند، هرگز به این مرحله نمی‌رسیدیم.

۲. بنگرید به: «۱۵۰ میلیارد دلار نفتی گم شده است»؛ گفت و گو با فرشاد مؤمنی؛ چهل و چهارمین شماره ماهنامه سیاسی- فرهنگی نسیم بیداری، دی ۹۲.

داشتند و همراهی یک نهاد نظارتی با دولت، نتیجه‌ای جز آچه شاهدش بودیم در پی ندارد. اگر نهادهای نظارتی، قانونگذاری، قضایی و مطبوعاتی در رادیو و تلویزیون حالت انتقادی سالم خود را به عنوان چشم بیدار ملت حفظ نکنند، شاهد فساد بیشتر در کشور خواهیم بود.

از نظر اینکه کدامیک از نظریه‌های مرور شده در مقاله، می‌تواند وضعیت فساد را کشور را تبیین کند، باید گفت اغلب نظریاتی که در ابتدای این نوشتار مرور گردید، در بخش‌های مختلف کاربرد دارد که بحث مبسوط آن در اینجا مقدور نیست و به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که موارد زیر در کشورمان باشد و ضعف در بخش‌ها قابل ردیابی است: نظر گری بکر مبنی بر احتمال محکومیت پایین و نیز تخفیف مجازات، منجر به افزایش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می‌شود و لذا جرایم بیشتری اتفاق می‌افتد.<sup>۱</sup>

نتایج پژوهش‌های بسیار در سال‌های اخیر در زمینه اثرات فساد، استدلال‌های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می‌کند، ولی با توجه به اینکه توسعه از نظر تصمیم‌گیران در سال‌های اخیر، لا اقل اولویت یکم نبوده<sup>۲</sup>، مکتب کارآمدی فساد نیز می‌تواند توجیه شود.

«نظریه کارکردگرایی ساختاری» که بیشتر به ساختارهای کلان جامعه و کیفیت کارکردهای آنها در بروز فساد می‌پردازد، و فساد افزایش یابنده را معلول عدم توسعه یافتنی نظام‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند نیز در بخش‌هایی پاسخگو است.

در سطح خرد و در قالب «نظریه عقلانیت فردی» معطوف به ویژگی‌های رفتاری و هنجاری کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی مرتبط، که فساد به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه‌ها و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می‌شوند که افراد تصمیم‌گیر، موجوداتی عقلانی هستند که می‌کوشند منافع حداکثری خود را از منابع کمیاب تحقق بخشنند.

«رویکرد هزینه- فایده» که فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگتر بینند، «رویکرد محرومیت نسبی» که افراد نسبت به داشته‌های خود احساس بی‌عدالتی کنند، «رویکرد رانت جویی» که امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد و قوانینی که با تصمیمات فردی، زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می‌کند، «رویکرد کارفرما- غیر کارگزار» که اجرای کارهای کلان به افراد خاصی واگذار می‌شود، و

۱. امروزه مجموع اختلاس‌های در حال پیگیری و دادرسی، حدود ۳ میلیارد دلار، و اگر رقم اختلاس فوق را بپذیریم، حدود ۲ درصد آن در حال رسیدگی است!

۲. با توجه به اتحال سازمان برنامه و بلا اثر شدن و سپس منتفی شدن برنامه چهارم توسعه و نیز برداشتن عنوان توسعه از برنامه پنجم کشور.

«رویکرد حامی- پیرو» که باندیازی در ساخت سیاسی، نوچه گرایی در انتصاب‌ها و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری را توضیح می‌دهد، به میزان قابل توجهی در سال‌های اخیر در کشور رایج بوده است.

این در حالی است که حتی امام علی (ع) کارگزاران خود را بری از فساد نمی‌دانست و به صورت علنی و مخفیانه بر اعمال آنان نظارت و در موقع لازم آنان را به سختی توبیخ و برکنارشان می‌فرمود. برای نمونه در نامه به یکی از فرمانداران خیانتکار که در سال ۴۰ هجری به نقل طبری نوشته شده، می‌خوانیم: **فَاتَقِ اللَّهُ وَ أَرْذَدْ إِلَى هُؤُلَاءِ الْقَوْمِ أُمُّواهُمْ ... وَ اللَّهُ لَوْأَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هُوَادَةٌ وَ لَا ظَفِيرًا مِنْكِي بِإِرَادَةٍ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُمْ** پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان، ... سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستابنم (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

همچنین در نامه به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره (ابن عباس از طرف امام فرماندار بصره بود و بر حکومت اهواز و فارس و کرمان و دیگر نواحی ایران نظارت داشت): همانا من، براستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی با درود (نهج البلاغه، نامه ۲۰).

و نیز نامه به اشعت ابن قیس فرماندار آذربایجان: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، ... در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی تا آنها را [ب] کم زیاد [ب] به من بسپاری ... با درود (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اکبری، محمود (۱۳۷۶) اخلاق و احکام اداری؛ قم: شفق.
۴. استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور و برنار بولوک (۱۳۷۷) حقوق جزای عمومی؛ ترجمه حسن دادبان؛ دانشگاه علامه طباطبائی.

## ۵. بخار الانوار، جلد ۱۰۱، حدیث ۱۱.

۶. تانزی ویتو (۱۳۷۸) مسئله فساد، فعالیت های دولتی و آزاد؛ اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۹-۱۵۰.
۷. جولیوس گولد و ویلیام کوب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی؛ تهران: انتشارات مازیار.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعه؛ ۲۹ جلدی، قم: مؤسسه آل البیت.
۹. حسني، علي و ع. شمس (۱۳۹۱) راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی؛ سال ۲، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۱۰. خضری، محمد (۱۳۸۱) گزارش پژوهشی علل ایجاد و گسترش فساد در نظام بانکی کشور؛ انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. دادگر، حسن: فساد مالی: عوامل و راهکارهای خلاصی، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، (در دست چاپ).
۱۲. دادگر، یدالله و نظری، روح الله (۱۳۸۸) بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان؛ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۱۲-۱۱ (پیاپی ۲۶۴).
۱۳. دادگر، حسن (۱۳۸۲) رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور؛ اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز.
۱۴. دانش، تاج زمان (۱۳۸۰) کتاب مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟؛ تهران: انتشارات کیهان، چاپ نهم.
۱۵. دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۷) بازنگشی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران؛ مجلس و پژوهش، ش. ۲۵.
۱۶. راغفر، حسین (۱۳۹۲) فساد و ابعاد آن: <http://www.bashgah.net>
۱۷. راه حل‌های مبارزه با فساد مالی از نظر اسلام (۱۳۹۲): <http://www.edalatgoestan.ir>
۱۸. ربیعی، علی (۱۳۸۳) زنده باد فساد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. ربیعی، علی (۱۳۹۲) فساد و ابعاد آن: <http://www.bashgah.net>

۲۰. رهبر، فرهاد و همکاران (۱۳۷۴) بازشناسی عارضه فساد مالی؛ ج ۱، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۱. رهبر، فرهاد؛ فضل الله میرزاوند و غلامرضا زال پور (۱۳۸۱) بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی؛ جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۲. رهنورد، فرج‌اله؛ حبیب... طاهرپور کلانتری و اعظم رسیدی (۱۳۸۹) شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی؛ پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۸).
۲۳. رویکردی اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور (۱۳۸۹) <http://www.hawzah.net>.
۲۴. زاهدی شمس السادات (۱۳۷۵) نگرشی بر فساد و آثار آن؛ دانش مدیریت، دوره اول، شماره دوم، بهار.
۲۵. سمیعی، ح. (۱۳۴۸) حقوق جزا؛ انتشارات شرکت مطبوعات.
۲۶. صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۹) اقتصاد جرم؛ انتشارات نور علم.
۲۷. صادقی، حسین؛ عباس عصاری و وحید شفاقی شهری (۱۳۸۹) اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی
۲۸. صباحی، احمد و سعید ملک الساداتی (۱۳۸۸) اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۵۳.
۲۹. طبیبیان، محمد و نادر حبیبی (۱۳۷۴) ایجاد انضباط مالی در بخش عمومی؛ مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.
۳۰. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۴۳) حقوق جنایی؛ تهران: انتشارات رودکی.
۳۱. غلامرضا تاجگردون (۱۳۹۲) دلایل بروز فساد و رانت در اقتصاد کشور:
۳۲. فانی، اصغر و م. علیزاده‌ثانی (۱۳۸۶) تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع؛ فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س. ۲، ش. ۱ و ۲.
۳۳. کافمن، دانیل (۱۳۷۷) فساد: واقعیت‌ها؛ ترجمه اکبر شکوهی؛ تحول اداری، دوره پنجم، شماره ۱۹، آذر.

۳۴. لوییس کوریر، پل، فساد و اخلاق، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.
۳۵. لیلاز، سعید (۱۳۹۲) لزوم مبارزه با فساد فارغ از جناح بندی، آرمان امروز، ۸ دی ماه.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق) بخار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۷. مصدقیان، حسین علی (۱۳۸۹) بسترهاي اخلاق اجتماعي از ديدگاه نهج البلاغه؛ فصلنامه پژوهش نامه اخلاق، ش. ۷ و ۸.
۳۸. مکارم‌شهریاری (۱۳۷۴) اقتراح؛ فلسفه و کلام؛ فصلنامه نقد و نظر، شماره ۵، زمستان.
۳۹. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲) فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله؛ ج ۱ تا ۳.
۴۰. مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) جذابیت‌های رانتی دفاع ایدئولوژیک از بازار آزاد.
۴۱. مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) دوران رانتزایی و رانتجویی باید پایان یابد/راه ۲۵ سال گذشته راتکرار نکنیم: [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir)
۴۲. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران؛ ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۴۳. هیوود، پل (۱۳۸۱) فساد سیاسی، ترجمه محمد طاهری و بنی هاشمی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۴. کاکس، رابت و همکاران (۱۳۸۲) دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی (مجموعه مقالات)، ترجمه حسین راغفر؛ نقش و نگار.
۴۵. وسائل الشیعه، جلد ۱۲، حدیث ۲، باب ۵.
46. Becker, Gary S. (1968) Crime and Punishment: An Economic Approach; Journal of Political Economy, University of Chicago Press, Vol. 76: 169.
47. <http://www.transparency.org>
48. <http://www.hawzah.net>
49. <http://www.bashgah.net>
50. <http://www.khabaronline.ir>
51. <http://www.khabaronline.ir>
52. <http://www.tahoorkotob.com/>
53. Huntington, S. P. (1968) Political order in changing societies; New Haven, Yale university press.

- 
- 
- 54. Islām va Pazhūheshhāye Modiriyatī, Vol.2. No.1, Fall & Winter 2012-13.
  - 55. Robin, T. (1990) Corruption, Development, and Underdevelopment; Duke Uni. Press.
  - 56. United Nations action against Corruption an Bribery,1990.